

## شناسایی عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی محله‌های حاشیه‌نشین شهر اصفهان (مطالعه موردی: محله عاشق‌آباد)

صدیقه کیانی سلمی\* - استادیار گروه جغرافیا و اکوتوریسم، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

محسن شاطریان - استاد گروه جغرافیا و اکوتوریسم دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

حامد صفری - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۰۶      تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰

### چکیده

حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی پدیده‌ای است که به دنبال تحولات ساختاری و بروز مسائل و مشکلات اقتصادی - اجتماعی، مانند جریان سریع شهرنشینی و مهاجرت‌های لجام‌گسیخته در بیشتر کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای جهان سوم پدیدار شده است. با توجه به حجم و روند روبه‌افزایش این گونه سکونتگاه‌ها، رهیافت‌های مختلفی برای حل مسئله حاشیه‌نشینی ارائه شده است. یکی از این رهیافت‌ها توانمندسازی، یعنی پذیرفتن حقوق شهروندی این ساکنان و حرکت به سوی مشارکت مردمی است. هدف کلی این پژوهش شناسایی عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی محله‌های حاشیه‌نشین شهر اصفهان است. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته با ۱۰ پرسش عمومی و ۴۵ پرسش تخصصی است که روایی آن با نظر متخصصان و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ به مقدار کلی ۰/۸۵۲ تأیید شده است. جامعه آماری پژوهش ساکنان محله عاشق‌آباد (۱۸۰۶۰ نفر) بودند و حجم نمونه ۱۵۷ نفر بود. برای تحلیل داده‌ها از قابلیت‌های آماری در نرم‌افزار SPSS و مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS استفاده شد. نتیجه کاربرد آزمون t در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ اثربخشی همه متغیرهای مورد بررسی را تأیید می‌کند. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد دستیابی به توانمندسازی ساکنان این محله، با بهبود شاخص‌های اثرگذار در پنج بعد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی آموزشی، زیست محیطی و اقتصادی با وزن‌های کوواریانس ۰/۸۲، ۰/۷۸، ۰/۷۳، ۰/۵۶ و ۰/۵۳ میسر است و بیشترین اثربخشی در بعد کالبدی مشاهده شده است.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی، حاشیه‌نشینی، سکونتگاه غیررسمی، عاشق‌آباد.

## مقدمه

آمارها نشان می‌دهد بیش از نیمی از مردم جهان در شهرها زندگی می‌کنند و تا سال ۲۰۵۰ جمعیت شهرنشینان جهان به ۶۶ درصد خواهد رسید (Rongbo Hu et al., 2017: 114). همچنین در حاشیه تمام شهرهای بزرگ دنیا سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینان وجود دارند که ۳۰ درصد ساکنان مناطق شهری کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص می‌دهند (بختیاری و هاشمی، ۱۳۹۲: ۱۴۰). رشد چشمگیر جمعیت شهری جهان از سال ۱۹۹۰، ظرفیت دولت‌ها برای تأمین مسکن مناسب را به چالش کشیده است (UN-Habitat, Urbanization and Development Emerging Futures, 2016)؛ به طوری که می‌توان گفت تشکیل زاغه در سطح جهان نشانه‌ای از کمبود مسکن یا هزینه تحمل‌ناپذیر مسکن رسمی است (Rebecca et al., 2018: 1).

نتایج پژوهش نصر اصفهانی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی علل اقتصادی حاشیه‌نشینی با استفاده از اثر درمان در شهر اصفهان نیز بر این ادعا صحت می‌گذارد که قیمت زمین و نرخ بیکاری با حاشیه‌نشینی رابطه‌ای معنادار دارد. با رشد چشمگیر تعداد و اندازه سکونتگاه‌های غیررسمی (که گاهی اوقات به عنوان سکونتگاه‌های زاغه نیز شناخته می‌شوند) چالش‌های مدیران شهری نیز تشدید شده است (Stephen Graham Saunders et al., 2016: 159). چنانچه انزو و همکاران (۲۰۱۹) تأکید می‌کنند، سکونتگاه‌های غیررسمی چالش‌های اساسی برای توسعه شهرها را نمایندگی می‌کنند (Enzo, et al., 2019: 2) و با وجود محرومیت‌های اجتماعی ناشی از نبود گزینه‌ها و فرصت‌ها، لکه‌های نامطلوب بافت شهری محسوب می‌شوند (Neeraj and Sandra, 2019: 1).

حاشیه‌نشینی در واقع حاصل و برون‌داد مشکلات اجتماعی و ساختاری است که بر اثر جریان سریع مهاجرت از روستا به شهرها رخ می‌دهد؛ پدیده‌ای که در کشورهای توسعه‌نیافته پررنگ‌تر است (لطفی، ۱۳۸۹: ۱۳۵). فرایند مهاجرتی که سبب شد برای اولین بار در سال ۲۰۰۸ جمعیت شهری از جمعیت روستایی پیشی بگیرد (UN DESA, 2008)، به شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در مناطق شهری منجر شد که اکنون در شهرهای شلوغ و بدون برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند (Sandra and Neeraj, 2019: 1). این پدیده در حاشیه یا درون شهرها به شکلی خودرو، با تجمعی از اقشار کم‌بضاعت شکل می‌گیرد و با عناوینی مانند زاغه‌نشینی، اسکان غیررسمی، سکونتگاه‌های خودرو و اجتماعات آلونکی شناخته می‌شود. رشد بی‌رویه جمعیت، کمبود امکانات و تسهیلات زیربنایی و زیستی، محله‌های نامتعارف یا حاشیه‌نشینان را ب وجود می‌آورد. همچنین سیاست‌های غلط و ناعادلانه در جوامع موجب تضاد میان گروه‌های اجتماعی و در نهایت پیدایش پدیده حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی شده است (شماعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶). می‌توان گفت حاشیه‌نشینی، خرده‌فرهنگی از ارزش‌ها و هنجارهاست که در محله‌هایی با بهداشت کم، انحرافات اجتماعی و ویژگی‌های دیگر از جمله انزوای اجتماعی بروز می‌کند (لطفی، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

حاشیه‌نشینی در ایران پس از ورود و استقرار سرمایه‌داری وابسته و رشد جمعیت شهری، به‌ویژه از اوایل قرن حاضر (۱۳۲۰) به وجود آمد (زاهدانی، ۱۳۶۹: ۳)؛ یعنی زمانی که گسترش تأسیسات شهری، شبکه ارتباطی و همچنین افزایش درآمد نفت موجب رونق شهرها و ایجاد جاذبه‌های شهری شد و از سوی دیگر اصطلاحات ارضی و مکانیزاسیون کشاورزی دافعه روستایی را تشدید کرد (احمدیان، ۱۳۸۲). به این ترتیب همان‌طور که صابری‌فر (۱۳۹۵)، شاطریان (۱۳۹۲) و زنگی‌آبادی (۱۳۹۱) در

شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی بیان می‌کند، ناهنجاری‌های اجتماعی و بیکاری، درآمد کم و پایین بودن اجاره‌بهای مسکن و مهاجرت گسترده از محیط‌های شهری کوچک و روستایی در گسترش حاشیه‌نشینی اثرگذار بوده است. همه عوامل ذکر شده ناشی از عوامل اقتصادی و دافعه‌های اجتماعی فرهنگی در محل سکونت قبلی تشخیص داده شده است که ماحصل آن شکل‌گیری محله‌های حاشیه‌نشین در قالب سکونت بدون برنامه و خارج از ضوابط افراد در اراضی، یا سکونتگاه‌های پیرامون شهری است (فرید، ۱۳۶۸: ۱۶۲). این مشکل شهری تنها مسئله‌ای فیزیکی و کالبدی نیست و از عوامل کلان ساختاری در سطح ملی و منطقه‌ای ناشی می‌شود (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۲، ۲۰۱۲). نتیجه پژوهش هزارجریبی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که حاشیه‌نشینی بر وقوع جرائم اجتماعی تأثیر بسیاری داشته است. فقر، بیکاری و دیگر ویژگی‌های حاشیه‌نشینان در کنار پدیده گمنامی در شهرها سبب می‌شود که انواعی از انحرافات و آسیب‌های اجتماعی در محیط‌های حاشیه‌ای شهرها رخ دهد (حیدری نوشهر و نظریان، ۱۳۹۰: ۳۳). چنانچه قرخلو (۱۳۸۳) و رضایی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه ارزیابی و تحلیل ابعاد اجتماعی حاشیه‌نشینی بیان کرده‌اند، هرچه حاشیه‌نشینی افزایش یابد، معضلاتی مانند بی‌تعدالی اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت. همچنین نتایج پژوهش نظریان و همکاران (۱۳۹۵) تأثیر عوامل اجتماعی در حاشیه‌نشینی را به مراتب بیش از عوامل اقتصادی می‌داند. بختیاری و همکاران (۱۳۹۲) نیز با بررسی ۸۲ پرونده در مراکز انتظامی و اطلاعات امنیت عمومی دریافته‌اند که ۶۳/۴ مجرمان در مناطق حاشیه شهر ساکن‌اند. جرم حمل سلاح غیرمجاز توسط مجرمان نیز در ۹۷/۱ درصد موارد در مناطق حاشیه‌ای و ۲/۹ در مناطق پایین شهر با شباهت زیاد به مناطق حاشیه‌نشین مشاهده شده است. از سوی دیگر، پایین بودن سطح سواد و مهارت سبب شده است قسمت عمده‌ای از این جمعیت در بخش غیررسمی اقتصاد جذب مشاغل کاذب و انگلی شوند که با ناهنجاری‌های اجتماعی مرتبط است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۲۳). به همین دلیل، اگرچه حاشیه‌نشینان در قلمرو زندگی اقتصادی-اجتماعی شهرها به سر می‌برند، به‌عنوان شهروندان رسمی در جامعه پذیرفته نشده‌اند (شماعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶). در چنین شرایطی، حاشیه‌نشینی و حاشیه‌ها به چالشی ملی و عاملی برای برهم‌زدن ثبات سیاسی و امنیت ملی تبدیل خواهند شد (عبدی و کرمی، ۱۳۹۶: ۱۶۶).

رهیافت‌های مختلفی برای حل مسئله حاشیه‌نشینی ارائه شده است: الف) رهاکردن به حال خود، یا حتی تخریب. در این راهبرد مهاجران در سکونتگاه‌های غیررسمی عامدانه نادیده گرفته می‌شوند (Shatkin, 2004: 2469). ب) راه‌حل موضعی مانند ارائه خدمات و امکانات صرف از سوی دولت و سایر نهادهای اجرایی، ج) توانمندسازی یعنی پذیرفتن حقوق شهروندی این ساکنان و حرکت به سوی مشارکت مردمی. چنانچه طی یکی دو دهه اخیر، بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دخیل در امر مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در سطح جهانی بر ترویج نگرش مشارکتی برای تشویق نوعی رهیافت مدیریت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا و توانمندسازی تأکید داشته‌اند (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۰)؛ به طوری که اجرا و پیشبرد هر نوع برنامه از پیش تعیین شده با اهرم مشارکت شهروندان تحقق خواهد یافت. براساس رویکرد توانمندسازی، دولت‌ها زمینه و تسهیلات بهبود شرایط فقرا را تهیه می‌کنند، اما اجتماعات فقیر راه ارتقای خود را می‌یابند (سعیدی عرفانی و معارف دوست، ۱۳۸۹: ۱). این رویکرد به جای دید کلان، بر رهیافت خردنگر و مبتنی بر اجتماعات محله‌ای تأکید داشته و به جای پیامد بر فرایند تأکید دارد و با بسیج سرمایه‌های محلی به دنبال ظرفیت‌سازی است (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۸). هرچند الگوی توسعه اجتماع‌محور در قالب نگرش‌های سنتی در علوم اجتماعی سابقه‌ای دیرینه دارد، طی دو دهه گذشته از سوی نهادهای

بین‌المللی بر آن تأکید شده است (فتایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵). به این ترتیب با فراهم‌کردن زمینه‌های کاهش فقر، پیشرفت‌های بهداشتی و برخورداری از امکانات و تسهیلات شهری اهداف توسعه پایدار شهری، چنانچه در سال ۲۰۱۵ از سوی سازمان ملل مطرح شد، در زاغه‌ها یا سکونتگاه‌های غیررسمی محقق خواهد شد (Suzanne Smit et al., 2019: 39). پایداری سکونتگاه‌های غیررسمی با حفظ یا تقویت قابلیت‌های ساکنان این‌گونه مناطق محقق خواهد شد (Dina Mamdouh and Hanan Gamil, 2018: 2367)؛ البته لطفی (۱۳۸۹) نیز معتقد است که می‌توان با فرهنگ‌سازی در مناطق حاشیه‌نشین ناهنجاری را کاهش داد که این امر می‌تواند به کم‌شدن حاشیه‌نشینی کمک کند.

شهر اصفهان با داشتن ویژگی‌های منحصربه‌فرد تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و استقرار و توسعه صنایع در حواشی شهر، زمینه را برای جذب مهاجران روستایی فراهم کرده است. این امر سبب توسعه و گسترش حاشیه‌نشینی در این شهر مانند سایر کلان‌شهرهای کشور شده و مدیریت شهری را با چالش‌های اساسی و پیچیده مرتبط با شاخص‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی مواجه کرده است. شناسایی محله‌های غیررسمی شهر اصفهان با استفاده از پنج منبع انجام شده است: اطلاعات کالبدی بازنگری طرح تفصیلی، اطلاعات سرشماری ۱۳۷۵ (شامل اطلاعات مسکن جمعیت برحسب ۶۱۶ حوزه آماری)، شناسایی مسئولان محلی (اطلاعات درباره تفکیک و ساخت‌وساز غیررسمی در مناطق مختلف شهر)، اطلاعات مشاوران طرح تفصیلی مناطق شهر و بازدید و برداشت‌های میدانی پژوهشگر. براین اساس محله‌های غیررسمی شناسایی‌شده توسط شهرداری اصفهان، شامل هفتون، صمدیه، مارچین، رهنان، عاشق‌آباد، اتوبان ذوب‌آهن، دهنو، پهنه مجاور خیابان آتشگاه، یونارت، پهنه مجاور خیابان کهن دژ، بابوکان، کردآباد و خودان است (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵۹). محله عاشق‌آباد نیز از پدیده حاشیه‌نشینی و ناهنجاری‌های اجتماعی آن بی‌نصیب نبوده و جرائم اجتماعی مانند فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی و بیکاری در آن موجود است. از آنجا که یکی از راهبردهای مناسب برای کنترل و بهبود شرایط نامطلوب این مناطق، توانمندسازی حاشیه‌نشینان با مشارکت آن‌ها در بهسازی و نوسازی فضاهای زیستی است، برقراری عدالت اجتماعی، شرایط تدوین راهبرد مناسب برای توانمندسازی محله حاشیه‌نشین عاشق‌آباد در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فرهنگی آموزشی و زیست‌محیطی در میان ساکنان محله به‌عنوان یک محله حاشیه‌نشین در شهر اصفهان بررسی شده که هدف پژوهش حاضر است. براین اساس پرسش‌های فرعی زیر برای دسترسی به هدف اصلی پژوهش مدنظر قرار گرفته است:

- عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی ساکنان محله عاشق‌آباد کدام‌اند؟

- میزان تأثیر شاخص‌های پنج‌گانه بر توانمندسازی شهروندان محله عاشق‌آباد در چه وضعیتی قرار دارد؟

- رتبه‌بندی عوامل اثرگذار بر توانمندسازی ساکنان محله عاشق‌آباد چگونه است؟

سرعت زیاد جمعیت‌پذیری شهرها و ناتوانی آن در انطباق با شرایط در حال تحول، تغییرات قیمت زمین و مسکن، روند روبه‌گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، شرایط نامطلوب کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و... را به‌وجود آورده است (توکلی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۱). همین امر سبب شده است تا شهرک‌های غیررسمی در بیشتر کشورهای درحال توسعه از منظرهای مختلف بررسی شوند و پژوهشگران با دیدگاه‌های متفاوت این موضوع را مطالعه کنند (Wekesa et al., 2011: 244). علاوه بر مطالعات داخلی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، محققان خارجی نیز مطالعاتی در این حوزه داشته‌اند. از جمله کارارا

(۲۰۱۸) در پژوهش خود نتیجه گرفت که منطقه گیلگیت<sup>۱</sup> در شمال پاکستان، چین و هند بخشی از مجموعه حاشیه‌ای محسوب می‌شوند که از سال ۱۹۴۷ شکل گرفته است. این مجموعه حاشیه‌نشین فراتر از منطقه اصلی خود رفته و نقاط کافی در مقایسه با فضاهای حاشیه‌نشینی در نقاط دیگر جهان را فراهم کرده است. براساس نتایج پژوهش کانول (۲۰۱۸) پایداری شهری در پنجاب پاکستان به عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بستگی دارد و حاشیه و جدایی اجتماعی، تهدیدی برای آن است. فلوری<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود بیان می‌کند نبود وابستگی و تعلق مکانی و همچنین تناقض‌های اجتماعی مهاجران به شکل‌گیری حاشیه‌نشینی منجر می‌شود. نتیجه پژوهش گوتتاگ (۲۰۱۵) حاکی از آن است بررسی پتانسیل‌های بخش مسکن سنتی در بخش غیررسمی مسکن می‌تواند از رشد مسکن غیررسمی بکاهد که این امر سبب کاهش بروز ناهنجاری‌ها می‌شود. وو فولنگ<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) نیز فقر شهری و حاشیه‌نشینی تحت استقبال بازار را مطالعه کرده است. نتایج نشان می‌دهد رشد سریع شهری در چین با افزایش نابرابری اجتماعی و به‌حاشیه‌راندن گروه‌های اجتماعی محروم، مانند کارگران مختلف از شرکت‌های دولتی و مهاجران روستایی همراه بوده است که همین امر یکی از دلایل بروز ناهنجاری‌های اجتماعی خواهد بود. بلارد (۲۰۱۲) محرومیت و جابه‌جایی‌های اجتماعی در آفریقای جنوبی را بررسی کرده است. یافته‌های او نشان می‌دهد آپارتمان‌ها و تبعیض نژادی علاوه بر زمینه‌سازی برای حاشیه‌نشینی، سبب افزایش فقر و نابرابری شده است. کولیر (۲۰۱۰) در بررسی مهاجرت حاشیه‌نشینی در آفریقا بیان می‌کند فقر اقتصادی و فرهنگی مهم‌ترین عامل گرایش به جرم و ناهنجاری در محله‌های حاشیه‌نشین آفریقا است. آنسل (۲۰۰۵) دیدگاه‌های کودکان مهاجر درباره زندگی در مکان‌های غیررسمی را جویا شده است و نتیجه گرفته که اجاره مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی برای کودکان با نامنی و بی‌ثباتی همراه بوده است. در این میان، حمایت بخش خصوصی به‌عنوان راهکاری برای حل کمبود مسکن و نیز ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از آن پیشنهاد شده است. کالویتا (۲۰۰۰) مهاجرت و محرومیت در اسپانیا را مطالعه کرده و نتیجه گرفته است که ساخت‌وسازهای قانونی و غیرقانونی مهاجران را به حاشیه‌های اقتصادی می‌کشد. همین امر سبب بروز نژادپرستی و نیز ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود. نتایج بررسی مطالعات صورت‌گرفته در داخل و خارج کشور با موضوعیت سکونتگاه‌های غیررسمی نشان می‌دهد پژوهشگران مختلف با رویکردهای متفاوت این موضوع را در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و از جمله توانمندسازی اجتماعات محلی بررسی و تحلیل کرده‌اند، اما با وجود سکونتگاه‌های غیررسمی یا مناطق حاشیه‌نشین شهری در شهر اصفهان تاکنون مطالعه‌ای در محله حاشیه‌نشین عاشق‌آباد صورت نگرفته است. پژوهش حاضر پس از بررسی پیشینه، با رویکردی سامانمند و درنظرداشتن مکانیسم اثرگذاری عوامل مختلف بر توانمندسازی ساکنان این مناطق برای اولین بار، عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی محله‌های حاشیه‌نشین شهر اصفهان را مطالعه کرده است. به این منظور از قابلیت‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری با توجه به توانایی و دقت فراوان آن در انجام تحلیل‌های آماری استفاده شده است. نتایج پژوهش حاضر چشم‌اندازی روشن برای برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهری در منطقه مورد مطالعه فراهم خواهد کرد.

1. Gillgit  
2. Flory  
3. Wu fulong

## مبانی نظری

### حاشیه‌نشینی و سکونتگاه غیررسمی

حاشیه‌نشینی به فضاهای زندگی غیررسمی و نامتعارف شهری اطلاق می‌شود که بازتاب فضایی بیمارگونه‌ای از اقتصاد، مدیریت و برنامه‌ریزی ضعیف فضایی منطقه‌ای و معلول بی‌عدالتی‌های اجتماعی-اقتصادی در سطوح ملی، استانی و محلی است (حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۴۹). پدیده حاشیه‌نشینی به سه شکل قابلیت تقسیم‌بندی دارد. دسته اول، برون‌شهری است. در این حالت مناطق حاشیه‌نشین در اطراف کلان‌شهرهایی مانند تهران همچون قارچ رشد می‌کنند و به اطراف پخش می‌شوند. دسته دوم حاشیه‌نشینی درون‌شهری است که برخلاف حاشیه‌نشینی برون‌شهری عمری بسیار طولانی دارد. این حالت درون کلان‌شهرها به وجود می‌آید و با خط قرمزی از سایر بخش‌ها جدا می‌شود و در تمام کشورها قابل مشاهده است. حالت سوم، حاشیه‌گزینی افراد متمکن و ثروتمند جامعه برای فرار از هیاهو و ترافیک کلان‌شهرهاست. در این حالت، افراد مکان آرامی را برای تفریح انتخاب می‌کنند و تعطیلات آخر هفته را در آنجا به سر می‌برند (لطفی، ۱۳۸۹: ۱۳۷). حاشیه‌نشینی ارتباط نزدیکی با اسکان غیررسمی دارد. اسکان غیررسمی به مکان‌هایی اطلاق می‌شود که با تجمعی از اقشار کم‌درآمد و در بیشتر موارد با مشاغل غیررسمی و شیوه‌ای از شهرنشینی ناپایدار همراه هستند که زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌روند (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۲۳۳). در این میان، محرومیت و نبود تسهیلات زندگی شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی در قیاس با دیگر نواحی شهری آن‌ها را به کانون بغرنج شهری تبدیل کرده و مانع توسعه پایدار انسانی شده است. در فرایند جهانی‌سازی بسیاری از شهروندان به حاشیه شهرها رانده خواهند شد و به دنبال این امر، بسیاری از افراد از حمایت‌های اجتماعی بهره‌ای نخواهند برد (صرافی، ۱۳۸۱: ۶). حاشیه‌نشینی با بروز ناهنجاری‌های اجتماعی نیز همراه است. در تعریف ناهنجاری آمده است هر فعل یا ترک فعلی که به موجب قانون مجازاتی برای آن تعیین شده باشد و نوعی آسیب یا خسارت را به همراه داشته باشد. همچنین به رفتار انحرافی اطلاق می‌شود که به طریقی با انتظارات رفتاری مشترک گروه خاصی ناسازگار باشد و دیگر افراد آن را نادرست بدانند (کیخا، ۱۳۹۴: ۱۱۲). همچنین هرگونه رفتاری که از نظر افراد گروه یا جامعه مردود و در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم است. به عبارت دیگر جرم عبارت است از رفتار منع‌شده یا مشمول اهرم‌های کنترل اجتماعی که با انتظارات جامعه رفتاری ناسازگار باشد (پیمانی، ۱۳۸۰: ۴۵).

امروزه پدیده نابسامان رشد شهرنشینی به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، که با افزایش جرائم و ناهنجاری‌های شهری همراه است، زندگی شهروندان، سیاست‌ها، برنامه‌های حکومت مرکزی، دولت‌های محلی و شهرداری‌ها را دچار مشکلات فراوانی کرده است. چنین وضعیتی که به‌شکلی مستقیم متأثر از رشد جمعیت، افزایش مهاجرت به شهرها، ضعف مدیریت شهری و غیره است، پیامدهای منفی گسترده‌ای را به دنبال داشته است که ظهور محله‌های حاشیه‌نشین به‌عنوان نماد جرائم اجتماعی و تجلی نابرابری فضایی در توزیع امکانات از سوی مدیران و برنامه‌ریزان از بارزترین پیامدهای آن است (میره، ۱۳۸۴: ۷۴). بی‌شک در وقوع جرم، محیط اعم از محیط‌های اجتماعی و محیط زندگی تأثیر بسزایی دارد. چنانچه کیخا و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود، مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موجود در سکونتگاه‌های غیررسمی را در افزایش وقوع جرائم اجتماعی و برقراری امنیت مناطق حاشیه‌ای و سکونتگاه‌های غیررسمی و اجتماعات شهری اثرگذار دانسته‌اند. فتح‌زاده و زاهد زاهدانی (۱۳۹۴) نیز بر این نکته تأکید داشته‌اند که بهبود شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی مهم‌ترین

عامل در کاهش بروز جرائم و توانمندسازی محله‌هاست. اعمال مجرمانه یا بزهکارانه پس از شکل‌گیری حاشیه‌نشینی عبارت است از: سرقت، قتل عمد، نزاع‌های جمعی، تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط‌زیست، اعتیاد و خرید فروش مواد مخدر و نوشیدنی‌های الکلی، جرائم تصادف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق، اخاذی و تهدید برای کسب مال دیگری، خشونت‌های جنسی، روسپیگری و کودک‌آزاری (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۶-۱۶۹). از سوی دیگر باید در نظر داشت که مناطق حاشیه‌نشین محل اصلی اختفای متهمان و مجرمان فراری هستند که علاوه بر اشاعه و افزایش جرائم ممکن است بر کودکان، نوجوانان و جوانان این مناطق تأثیری منفی داشته باشند (شکویی، ۱۳۸۰: ۵۱).

براساس مطالعات انجام‌شده از مهم‌ترین پیامدهای مناطق مختلف حاشیه‌نشین در ایران می‌توان به ساخت‌وساز نامناسب، فقر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، بیکاری و اشتغال کاذب، افزایش جرم و جنایت، فساد و فحشا و مصرف بیش‌ازحد مواد مخدر در مقایسه با سایر مناطق شهری اشاره کرد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳۳). از دیگر پیامدهای حاشیه‌نشینی، پدیده فقر شهری و عوامل ساختاری در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی در سطح ملی و فراملی است (فنی، ۱۳۸۹: ۴۱). افزایش روستاهایی با ساختار اسکان غیررسمی از دیگر عواقب حاشیه‌نشینی در ایران است؛ اگرچه با تلاش نهادهای اجرایی این پدیده در کشور تا حدودی شناخته شده است (ریاحی، ۱۳۸۹: ۸۵). شکل‌گیری شاخص‌های خرده‌فرهنگ کج‌رو، یعنی تمایل به خطرکردن، خشن‌بودن، تقدیرگرآبودن، اولویت به نیازهای جسمانی، لاقیدی و بی‌بندوباری نسبت به تربیت فرزندان، تمایل به خشونت، بنده لحظه‌ها بودن، اعتقاد به شانس و غیرکلامی بودن در تربیت فرزندان نیز به حاشیه‌نشینی نسبت داده شده است (لهاسایی، ۱۳۶۸: ۲۴). همچنین ساکنان حاشیه‌ها عمدتاً به دلیل ضعف آگاهی‌های اجتماعی تابع قوانین هنجارها و مقررات جامعه نیستند (ربانی، ۱۳۸۱: ۱۴۲). پیامد دیگر حاشیه‌نشینی استفاده شهرنشینان از نیروی کار حاشیه‌نشینان نیز با اشغال فضاهای دست‌نخورده پیرامون شهرها، ساکنان اصلی را شهر را مجبور می‌کند تا مسافت‌های طولانی‌تری را برای تفریح و استراحت خود طی کنند (صابری‌فر، ۱۳۹۵: ۳۲). رهیافت‌ها و راهکارهای مختلفی برای حل مسئله حاشیه‌نشینی و پدیده اسکان غیررسمی ارائه شده است. نظریه‌پردازان دیدگاه لیبرال معتقدند این مکان‌ها به حال خود رها شده‌اند تا دست‌های نامرئی بازار چاره‌ای برای آن‌ها بیندیشد. آنان سازندگان آلونک‌ها را برنامه‌ریزان شهری و معمارانی می‌دانند که در جوامعی که معماری و برنامه‌ریزی شهری رسمی به فکر آنان نیست خود به فکر خویش هستند. این دیدگاه به ریشه‌یابی و شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها نمی‌پردازد و آن را از الزامات جامعه صنعتی می‌داند. دیدگاه رادیکال اشکال گوناگون تخریب را دربرمی‌گیرد که در میان آن‌ها تخریب بدون قید و شرط، بیشترین فراوانی را دارد. دیدگاه توانمندسازی به محتوای اصلی این سکونتگاه‌ها مبتنی بر انسان و فعالیت‌های او توجه خاصی دارد و می‌خواهد کالبد و فضای این سکونتگاه‌ها را تغییر دهد. با مطالعات جدید درباره این پدیده، به بهسازی اهمیت فراوانی داده شده است؛ زیرا امروزه سیاست تخریب و تخلیه اجباری کاملاً مطرود است (شماعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹-۳۰).

### توانمندسازی

واژه توانمندسازی<sup>۱</sup> به معنای دادن قدرت یا اختیار به شخصی برای انجام عملی است و بر توانمندسازی فردی دلالت دارد.

این واژه اولین بار در سال ۱۷۸۸ م. کاربرد داشته است (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۰). در گفتمان توسعه، مفهوم توانمندسازی بازگویی رویکرد توسعه‌ای پایین به بالا و توسعه درون‌زاست (زاهدی، ۱۳۸۸: ۴۰). از راه این فرایند، افراد جامعه از نیازها و خواسته‌های خود آگاه هستند، نوعی اعتمادبه‌نفس و خودتکایی برای برطرف کردن نیازها دارند و براساس آن از توانایی لازم برای تحقق اهداف خود برخوردار می‌شوند (صالحی‌امیری، ۱۳۹۰: ۱۴۵). همچنین توانمندسازی فرایندی محسوب می‌شود که به کمک آن افراد می‌توانند خودمختاری، کنترل و اعتمادبه‌نفس کسب کنند و با احساس قدرت فردی و جمعی برای تفوق بر شرایط اجتماعی مسلط و تبعیض‌گرا اقدام کنند. انواع شاخص‌های توانمندسازی شامل مشارکت، درگیرکردن شهروندان، ایجاد تعهد، مسطح‌سازی ساختاری و آموزش است. شاخص مشارکتی به این نکته اشاره دارد که در تصمیم‌گیری‌ها به شهروندان تفویض اختیار می‌شود. درگیرکردن شهروندان شامل ارائه تجربه‌ها، ایده‌ها و پیشنهادهای از سوی شهروندان است. طی فرایند تعهد، شهروندان به شهر، اهداف آن و بهبود رضایت شهروندان متعهد می‌شوند. در روش مسطح‌سازی ساختاری، عرضی کردن ساختار، کاهش تعداد لایه‌ها و سطوح مدیریت در ساختار مدیریت شهری مدنظر است. بی‌شک آموزش مؤثر و نافذ یکی از ابزارهای مهم در توانمندسازی است. هدف واقعی آموزش ارتباط میان شهروندان و مدیریت است و همچنین مشارکت در برنامه‌های شهر برای افزایش انگیزه‌ها (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۷-۱۲۸). انواع روش‌های توانمندسازی عبارت‌اند از: الف) رویکرد مکانیکی که تفویض مسئولیت‌ها از سوی مدیران و پذیرش مسئولیت از سوی شهروندان برای نتیجه‌گیری را در بردارد. ب) رویکرد ارگانیکی که ریسک‌پذیری، رشد، تغییر، تیم‌سازی به شیوه توانمندکردن و اعتماد به شهروندان است (پورافکاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸). سیاست توانمندسازی در رویکرد خود به‌منظور ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی به سه راهبرد تکیه می‌کند که راهبردها بر عناوین توانمندسازی، نهادسازی و ظرفیت‌سازی استوار است و بر رویکرد مشارکتی تأکید می‌ورزد (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۸۰). راهبرد توانمندسازی مناسب‌ترین راه‌حل در ساماندهی حاشیه‌نشینی است که بر بهبود شرایط زندگی جوامع فقیر تأکید دارد و این فرصت را به مردم می‌دهد که محل زندگی خود را با توجه به نیازهایشان بهبود بخشند (شماعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰).

### رویکردهای توانمندسازی اجتماعات محلی

رویکردی که در حال حاضر طرح‌های ساماندهی سکونتگاه‌های نابسامان در شهرهای کشور به‌دنبال تحقق آن هستند، رویکرد توانمندسازی است. توانمندسازی در این رویکرد به مفهوم افزایش و استفاده از ظرفیت‌های درون جوامع شهری برای اداره امور عمومی و اجتماعی آن‌هاست که ثبات و پایداری روند توسعه را به‌دنبال دارد (شکور و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۰). ثبات و پایداری روند توسعه، بهبود کیفیت زندگی را موجب می‌شود. از اهداف اصلی این‌گونه طرح‌ها، علاوه بر ظرفیت‌سازی در مدیریت شهری، توانمندسازی اجتماعات این‌گونه سکونتگاه‌هاست. رویکرد توانمندسازی به همراه سیاست‌های ارتقا و بهسازی محیط به‌دنبال ایجاد تغییراتی اصولی در فرایند اسکان گروه‌های کم‌درآمد شهری است. در این فرایند، بر پایه منابع و ظرفیت‌های موجود در اجتماعات محلی و در پیوند با سیاست‌های کلان ملی، ساختاری ایجاد می‌شود که عملاً مردم کم‌درآمد نیز توان لازم برای همراهی و اجرای پروژه‌های مورد نیاز خود را داشته باشند. در این رویکرد بحث مهندسی ساختمان به مهندسی اجتماعی تغییر می‌یابد و تلاش می‌شود با ظرفیت‌سازی و ایجاد نهادهای



مربوط (غیردولتی) و افزایش توانمندی‌های گروه‌های اجتماعی (به‌کمک برنامه‌های آموزشی، بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی زمینه‌های لازم برای تحقق اهداف و برانگیختن انگیزش‌های توسعه‌ای برای ساماندهی امور، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری به سطوح محلی جامعه)، فرایند اجرای پروژه‌ها با واگذاری اختیار هرچند ممکن به نیازهای محلی نزدیک‌تر شود و استمرار یابد (مشهدی‌زاده دهاقانی و رستمی، ۱۳۹۵: ۵۴).

نظریه‌های توانمندسازی منعکس‌کننده دامنه وسیعی از موضوع و تفکر است که از تئوری‌های جامعه‌شناسی، اقتصادی و سیاسی، خدانشناسی و نگرش کار اجتماعی گرفته شده‌اند. این تئوری‌ها می‌گویند، تغییر اجتماعی برجسته و ژرف، نیازمند اتصال افراد به یکدیگر در فرایندی است که سبب رشد آگاهی و اقدام فردی و جمعی شود. در این میان می‌توان از نظریه‌های کار اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌های توانمندسازی مرتبط با سازمان به‌عنوان یک تشکل اجتماعی نام برد. براساس این نظریه، هر فرد باید موقعیت آن را داشته باشد که از همه توانایی‌ها و خلاقیت خود استفاده کند. با توجه به این نظریه، باید سازمان‌های محلی و سنتی کمک و تقویت شوند. به نظر می‌رسد توانمندسازی ترکیبی از نظریه رفاه، برابری و فقرزدایی است؛ با این تفاوت که طرفداران این نظریه برای عینیت‌بخشی به تغییرات بلندمدت به امید آینده یا سازمان‌های دولتی تکیه ندارند، بلکه تلاش سازمان‌های غیردولتی زنان و گروه‌های مشابه برای بسیج سیاسی، آگاه‌سازی و آموزش همگان را ضروری می‌دانند (یاسوری، ۱۳۹۰: ۴۹). براساس نظریه سولومون افراد پیش از اینکه بتوانند مهارت‌هایی را برای کسب قدرت و کنترل زندگی‌شان توسعه و بهبود دهند، باید بتوانند موانع قدرت را شناسایی و رفع کنند. لی، نظریه سولومون را به مردم ستمدیده تعمیم می‌دهد و برای توانمندسازی سه بعد را مطرح می‌کند که عبارت است از:

۱. توسعه بیشتر خودباوری؛

۲. توسعه دانش و خودآگاهی اعتقادی؛

۳. توسعه و آماده‌کردن منابع و راهبردها.

همچنین نظریه رز سه اصل را برای موفقیت رویکرد توانمندسازی مطرح می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. زمینه‌شناسی: فرد بهتر از ما خودش را می‌شناسد و بهتر از دیگران نیازش را تعریف می‌کند؛

۲. توانمندسازی فرصت تولید روش‌ها برای تأمین نیازمندی‌های فرد؛

۳. جمع‌گرایی: گردآوری افراد در کنار هم برای خروج و انعکاس متقابل احساسات (مجیدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۶).

### رویکرد نیازمبنا

این رویکرد که رویکردی سنتی است، توسعه را مقوله‌ای متأثر از عوامل بیرونی دانسته و به ارزش‌های فنی معتقد است (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۰). در رویکرد نیازمبنا، همه حقیقت موجود در محله‌های کم‌درآمد و نابسامان شهری، معضلات آن‌هاست و نیازها، کاستی‌ها و مشکلات اجتماع محلی، مبنایی برای توسعه قرار می‌گیرد. همچنین بودجه و امکانات مالی به‌جای ساکنان به‌سوی فراهم‌کنندگان خدمات هدایت می‌شود و روابطی که سبب دخالت عوامل خارجی می‌شوند، اهمیت می‌یابند و نه روابط محله‌ای‌ها با هم. راهبرد نیازمبنا تنها می‌تواند بقا را تضمین کند و از آنجا که از همه انرژی اجتماع محلی استفاده نمی‌کند، هرگز به تغییر جدی یا توانمندسازی اجتماعی محلی منجر نخواهد شد (مسعود و معزی، ۱۳۹۱: ۶۵). رویکرد نیازمبنا ده‌ها سال در کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه اساس توسعه جامعه محلی بوده

است. براساس این رویکرد، نیازهای جامعه محلی با تفویض منابع موجود از منابع مورد نیاز به صورت دقیق تعیین کمیت می‌شوند. توجه به این رویکرد براساس سیاست استحقاق است و سبب فرورفت ساکنان اجتماعی محلی در چرخه وابستگی می‌شود (Kretzmann and McKnight, 1993).

### رویکرد دارایی‌مبنا

ناکارآمدی سیاست‌های دولتی در رویکرد نیازمبنا از یک سو سبب تداوم بحث درباره مکان و مردم و از سوی دیگر تحقیق مداوم درباره توسعه اجتماعی محلی، ظرفیت‌سازی، توانمندسازی و مشارکت شده است. به همین منظور طیف وسیعی از شیوه‌های محله‌مبنا به جای روش‌های مرسوم متخصص‌مبنا و مداخلات دولتی از بالا به پایین به کار گرفته شده است. در رویکرد دارایی‌مبنا، سیاست‌های دارایی‌مبنای مردم‌گرا که بر توانمندسازی به جای استحقاق تأکید دارد، هم از مشارکت داوطلبانه و هم از مکان‌مبنابودن آن نشئت می‌گیرد و این مسئله بر جامعیت آن دلالت دارد. از سوی دیگر، سیاست‌های دارایی‌مبنای مکان‌گرا به دلیل تأکید بر اهمیت سرمایه کالبدی در توسعه اجتماعی محلی و استفاده از آن به عنوان ابزاری برای افزایش سرمایه اجتماعی واجد همین ابزار است. در این فرایند، دارایی‌های اجتماع محلی از نظر نوع، شامل سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی است. سرمایه اجتماعی شامل منابعی در اجتماعات محلی است که با سطح بالایی از اعتماد، عمل و کنش متقابل، هنجارهای اجتماعی مشترک رفتاری، تعهدات و تعلقات مشترک و شبکه‌های رسمی و غیررسمی به وجود می‌آید. افراد و گروه‌ها می‌توانند از این سرمایه به منظور تسهیل در خدمات‌رسانی اجتماعی استفاده کنند. این شکل از سرمایه، برخلاف سرمایه کالبدی که شامل امکانات فیزیکی است، به سستی به وجود می‌آید و به دلیل بی‌استفاده ماندن به سرعت از بین می‌رود. مشارکت اجتماعی، اعتماد و امنیت، انسجام اجتماعی و احساس تعلق از نمونه‌های بارز سرمایه اجتماعی در رویکرد دارایی‌مبنا در نظر گرفته می‌شود (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۲). از آنجا که فرایند توسعه دارایی‌مبنا براساس دارایی و ظرفیت‌های موجود در اجتماعات محلی است، داشتن نگاه پایین به بالا گریزناپذیر است. این طرز نگرش بر تقدم سرمایه‌گذاری، خلاقیت و مشارکت محلی ساکنان تأکید دارد. در این میان، دولت و مردم شرکایی هستند که با یکدیگر تقسیم کار می‌کنند.

### رویکرد ارزش‌مبنا

در این رویکرد بحث بر سر این است که دارایی (سرمایه اجتماعی و کالبدی) محله‌های نابسامان شهری را باید در مدار توسعه اقتصادی قرار داد و شهروندان تهیدست را کنشگران توسعه اجتماعی دانست. در این نگاه، شیوه حکمروایی اهمیت دوچندان می‌یابد تا ظرفیت‌ها و منابع درونی این اجتماعات را به یاری منابع بخش‌های دولتی / عمومی، خصوصی و جامعه مدنی به توانمندسازی و درنهایت توسعه پایدار اجتماعات مبدل کند. برای دستیابی به توسعه پایدار در این اجتماعات اصول زیر که دربردارنده اصول رویکرد ارزش‌گرایی است ارائه می‌شود:

- توسعه با تکیه بر ارزش‌مداری، ارزش‌گذاری و ارزش‌آفرینی به‌واسطه شناخت ارزش‌های گوناگون نهفته یا جاری (آشکار یا پنهان) در این اجتماعات (اجتماعی و فرهنگی، معنوی و مذهبی، محیطی، کالبدی، اقتصادی و تاریخی)؛

- اشتراک‌گذاری و توسعه با احترام به مردم، محیط، عقاید و آداب‌ورسوم، ارزش‌ها و سرمایه‌گذار؛

- فعالیت بالفعل و بالقوه محله‌ها با توجه به هویت، مزیت و نقش آن‌ها،
- رویکرد مداخله‌گر مشارکتی و ارزش‌گرا در برنامه‌های ساماندهی و توانمندسازی؛
- رفع موانع، توجه به تهدیدها، کنارزدن تنگناها و ترمیم و بازسازی آسیب‌های این محله‌ها؛
- استفاده از امکانات، به‌کارگیری مزیت‌ها، شکوفاکردن قابلیت‌ها و شناسایی فرصت‌های محله‌ها (مشهدی‌زاده دهاقانی و رستمی، ۱۳۹۵: ۵۷).

در این رویکرد، ظرفیت‌سازی اجتماعات محله‌ای می‌تواند ایده‌ای باشد که براساس منابع، زمان، هدایت و تعهداتی است که اهداف و تغییرات آن را نشان می‌دهد و دربرگیرنده رهبری، قلمرو اجتماعی، فعالیت‌های فردی، تغییرات سازمانی و نهادی است. ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی رویکردی سامانمند و برنامه‌ریزی شده است که با برنامه یا پروژه ویژه‌ای مرتبط می‌شود و بر پایه مهارت‌های موجود، دانش و استعداد‌های مردمی است که تاکنون داشته‌اند و می‌توانند آن را عرضه کنند. ظرفیت‌سازی براساس قابلیت‌های موجود مردم و با توجه به شبکه‌های مورد حمایت، از بین بردن تمایزات، تسهیل کردن خدمات نسبت به توزیع آن و تشخیص مردم به‌عنوان دارایی است که با افزایش مهارت‌ها، ایجاد دانش و اعتمادبه‌نفس به‌کمک فرصت‌های آموزشی، شبکه‌سازی و مشارکت در انجمن‌های پشتیبانی، ارتقای ساختار سازمانی، سیستم‌ها و سازوکارهای مدیریت محقق می‌شود (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

با توجه به پیشینه پژوهش و شناسایی عوامل و متغیرهای تسهیل‌کننده، فرایند توانمندسازی محله‌های حاشیه‌نشین در قالب سه رویکرد ارزش‌مبنا، دارایی‌مبنا و نیازمبنا به‌عنوان سه دیدگاه مکمل در پژوهش حاضر شناسایی و تعریف عملیاتی شد. در شکل ۱ مدل مفهومی آمده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

## روش پژوهش

پژوهش حاضر کاربردی، توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. داده‌های گردآوری شده به کمک پرسشنامه محقق ساخته و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و AMOS تجزیه و تحلیل و مدل‌سازی شده است. مدل‌سازی معادلات ساختاری به پژوهشگر این اجازه را می‌دهد تا هم‌زمان به تحلیل علی متغیرهای وابسته، مستقل و مداخله‌گر اعم از مشاهده‌شده یا پنهان بپردازد (حیدری سورشجانی، ۱۳۹۶: ۱۵۴) که با استفاده از شاخص‌های برازش کلی چگونگی برازش مدل پژوهش با داده‌های مشاهده‌شده را تحلیل می‌کند (فرید، ۱۳۹۳: ۷). مدل‌سازی معادلات ساختاری ترکیبی از مدل‌های اندازه‌گیری و مدل‌های ساختاری است (برمر و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۱). در مدل‌های اندازه‌گیری می‌توان فهمید که آیا متغیرهای مشاهده‌شده توانایی اندازه‌گیری متغیر پنهان را دارد یا نه، اما در مدل‌های ساختاری هدف پژوهشگر این است که به کشف هم‌بستگی یا وابستگی میان متغیرهای پنهان دست یابد (بسحاق، ۱۳۹۴: ۲۷-۲۸). این روش‌شناسی به ایجاد و جهت‌دادن روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم کمک می‌کند (فیسال<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۶: ۵۴۲). ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته است. قسمت اول پرسشنامه ده پرسش عمومی دارد که اطلاعات توصیفی پاسخگویان را شناسایی می‌کند. در قسمت دوم، برای تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش با بهره‌گیری از نتایج پیشینه پژوهش و ادبیات نظری پژوهش از ۴۵ متغیر در پنج بعد اقتصادی (دوازده پرسش)، اجتماعی (سیزده پرسش)، کالبدی (هفت پرسش)، فرهنگی-آموزشی (هفت پرسش) و زیست‌محیطی (شش پرسش) استفاده شد (جدول ۱).<sup>۲</sup>

برای اطمینان از روایی ابزار پژوهش، پرسشنامه در اختیار استادان دانشگاه، کارشناسان خبره و مدیران شهری قرار داده شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار ضریب آلفا در این پژوهش ۰/۸۵۲ محاسبه شده است. به همین استناد ابزار اندازه‌گیری پایایی مناسبی دارد و نتایج آزمون قابل اعتماد است. در بررسی نرمالیتی داده‌ها، اگرچه در حجم نمونه‌های بالا، داده‌ها به سمت نرمال بودن سوق پیدا می‌کنند، محاسبه نرمالیتی داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگوروف-اسمیرنوف و همچنین محاسبه میزان چولگی (بین ۲- تا ۲+) حاکی از نرمال بودن داده‌ها بوده است.

جامعه آماری پژوهش ساکنان و شهروندان محله عاشق‌آباد اصفهان (۱۸۰۶۰ نفر) هستند. از میان این افراد با توجه به دامنه‌های ارائه‌شده در منابع مدل‌سازی معادلات ساختاری برای حجم نمونه قابل پذیرش و نیز توان پژوهش، کار تحلیل با ۱۵۷ پاسخگو صورت گرفت.<sup>۳</sup> روش نمونه‌گیری تصادفی ساده با توجه به حجم نمونه در دسترس بوده است و پاسخگویان در زمستان ۱۳۹۷ به پرسشنامه پاسخ گفته‌اند. قلمرو جغرافیایی پژوهش محله عاشق‌آباد اصفهان است.

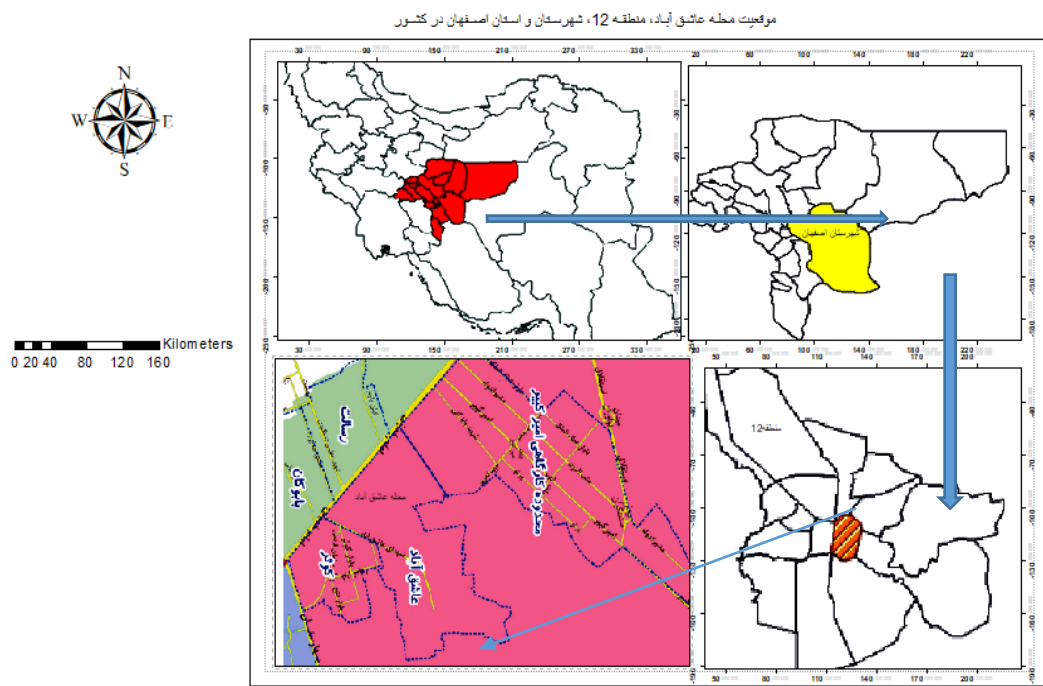
### 1. Faisal

۲. متغیرهای پژوهش از مرور منابع مختلف علمی (خاکپور، ۱۳۹۴: ۷۰-۷۳؛ نظریان، ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۴۰؛ رهنمایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۶-۱۱۲؛ حاتم‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲۲-۲۲۶؛ فنی، ۱۳۸۸: ۴۶-۵۰؛ گودرزی، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۲۱؛ خاکپور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۷۹) استخراج و در ابزار پژوهش استفاده شده است.

۳. در مدل‌سازی معادلات ساختاری برآورد حداکثر درست‌نمایی با نمونه کوچک ۵۰ نفر نیز نتایج معتبری به دست می‌دهد؛ اگرچه نمونه‌ای به این اندازه کوچک توصیه نمی‌شود. اغلب گفته می‌شود حداقل حجم نمونه برای استفاده از برآورد حداکثر، ۱۰۰ نفر است، اما توصیه می‌شود حجم نمونه بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ باشد (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۲۱۱).

## محدوده مورد مطالعه

شهر اصفهان با مساحت ۳۵,۰۳۸ هکتار بزرگ‌ترین شهر استان اصفهان است که با طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه با ارتفاع ۱۵۶۵ متر از سطح دریا بعد از تهران و مشهد سومین شهر بزرگ ایران است (اطلس جامع گی‌تاشناسی، ۱۳۹۳: ۴۲). جمعیت اصفهان در سال ۱۳۹۶، برابر ۱,۷۵۶,۱۲۶ میلیون نفر است (آمارنامه شهر اصفهان، ۱۳۹۶: ۵۶). شهر اصفهان ۱۵ منطقه شهری دارد که از ۱۹۸ محله مختلف تشکیل شده‌اند. منطقه ۱۲ با مساحت، ۸۲۰۰ هکتار و ۲۵,۶۳۶ خانوار در موقعیتی جغرافیایی قرار دارد که از شمال به تقاطع بزرگراه اصفهان و جاده دیسمان در امتداد جاده دیسمان تا پل گز، از جنوب به امتداد خیابان بهارستان از تقاطع کاوه تا تقاطع خیابان امام‌خمینی، از شرق به پل گز در محور خیابان معلم و خیابان کاوه تا سواره ملک‌شهر و از غرب به محور خیابان امام‌خمینی از تقاطع خیابان بهارستان و محور بزرگراه آزادگان تا تقاطع جاده دیسمان، ده محله دارد. (درگاه الکترونیکی شهرداری اصفهان). این محله‌ها عبارت‌اند از: شهرک منتظری، بختیاردشت، امین‌آباد، محمودآباد، عاشق‌آباد، امیرکبیر، دهنو، رسالت، کوثر و بابوکان (آمارنامه شهر اصفهان، ۱۳۹۶: ۷۹). جمعیت محله عاشق‌آباد اصفهان واقع در منطقه ۱۲ براساس آمارنامه شهر اصفهان در سال ۱۳۹۴ برابر ۱۸۰۶۰ نفر است. در همین سال جمعیت منطقه ۱۲ نیز ۱۴۴,۶۱۶ نفر با نرخ رشد ۳/۵۷ بوده است. محله عاشق‌آباد از شمال به محدوده‌ای کویری و دشتی وسیع، از جنوب به اتوبان امام‌خمینی و محله رسالت، از شرق به شهرک کوثر و شهرک قدس و از غرب به محدوده صنعتی امیرکبیر ختم می‌شود (آمارنامه شهر اصفهان، ۱۳۹۴: ۷۳). در شکل ۲، موقعیت منطقه مورد مطالعه آمده است.



شکل ۲. موقعیت منطقه مورد مطالعه

## بحث و یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های توصیفی جامعه نمونه نشان می‌دهد، میانگین سنی پاسخگویان ۳۶/۲ است که ۷۰/۷ درصد آنان را مردان و ۲۹/۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ۷۵/۸ درصد پاسخگویان متولد اصفهان و ۲۴/۲ درصد آنان مهاجران غیر اصفهانی بوده‌اند. نتایج شاخص وضعیت تأهل نشان می‌دهد، از مجموع پاسخگویان ۵۸ نفر مجرد و ۹۹ نفر متأهل هستند. میانگین سابقه سکونت پاسخگویان در محله ۱۹/۳ سال است. از ۱۵۷ نفر پاسخ‌دهنده ۷۴ نفر، مسکن شخصی، ۶۵ نفر، مسکن اجاره‌ای، ۷ نفر، مسکن دولتی و ۱۱ نفر نیز انواع مسکن‌های دیگر را دارند. از نظر عمر ساختمان‌ها نیز ۳۶/۳ درصد آن‌ها زیر ۱۰ سال ساخت بوده‌اند. ۲۷/۴ درصد ساختمان‌ها عمری بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۱۴ درصد بیش از ۲۰ سال و ۲۲/۳ درصد نیز بیشتر از ۳۰ سال داشته‌اند. نتایج بررسی وضعیت تحصیلی نشان می‌دهد ۹۷ نفر دارای تحصیلات غیردانشگاهی و ۶۰ نفر نیز دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. از نظر اشتغال نیز ۲۶ درصد پاسخگویان بدون شغل و ۷۳/۹ درصد شاغل بودند. وضعیت درآمد ۵۹ نفر از پاسخگویان زیر ۱ میلیون تومان بوده است. ۵۳ نفر بین ۱ تا ۲ میلیون تومان و ۲۹ نفر بین ۲-۳ میلیون داشته‌اند. ۱۶ نفر نیز درآمد خویش را بیشتر از ۳ میلیون اعلام کرده‌اند.

### شناسایی عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی ساکنان محله عاشق‌آباد

برای سنجش معناداری اثر ۴۵ شاخص بررسی شده به تفکیک ابعاد پنج‌گانه اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فرهنگی آموزشی و زیست‌محیطی بر توانمندسازی ساکنان محله حاشیه‌نشین عاشق‌آباد اصفهان از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد. براساس نتایج ارائه‌شده در جدول ۱، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و نیز مثبت بودن کرانه‌های بالا و پایین سطح اطمینان دال بر تأیید اثرگذاری متغیرهای بررسی شده بر توانمندسازی ساکنان محله‌های حاشیه‌نشین است.

جدول ۱. نتایج آزمون t برای بررسی معناداری عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی ساکنان محله عاشق‌آباد

نتیجه	فاصله اطمینان ۹۵ درصد سطح معناداری		آماره t	میانگین تفاوت	سطح معناداری آزمون	متغیر	عامل
	حد بالا	حد پایین					
تأیید	۰/۱۲۵	۰/۵۲۴	۳/۲۱	۰/۳۲۴	۰/۰۰۲	توسعه اقتصادی مشاغل از سوی افراد و دولت و تشکیل صندوق‌های مالی (قرض‌الحسنه‌ها) در محله	اقتصادی
تأیید	۰/۴۴۴	۰/۸۱۷	۶/۶	۰/۶۳۰	۰/۰۰۰	تشکیل تعاونی‌ها برای رونق کسب‌وکار محلی (صنایع‌دستی، مشاغل کوچک و کارگاه‌های کوچک و...)	
تأیید	۰/۵۰۹	۰/۸۹۱	۷/۲۴	۰/۷۰۰	۰/۰۰۰	گسترش توانایی‌های افراد و ایجاد بازار کار برای آن‌ها	
تأیید	۰/۲۴۷	۰/۶۴۴	۴/۴۴	۰/۴۴۵	۰/۰۰۰	افزایش نقش زنان (مشارکت و حضور فزاینده آن‌ها در نیروی کار رسمی) و داشتن حقوق برابر با مردان	
تأیید	۰/۵۱۶	۰/۸۷۲	۷/۶۹	۰/۶۹۴	۰/۰۰۰	حمایت از نظام اقتصاد محلی و بازاریابی صنایع کوچک محله‌ای	
تأیید	۰/۶۷۹	۱/۰۹	۸/۴۹	۰/۸۸۵	۰/۰۰۰	افزایش مشاغل کاذب (دستفروشی و...)	
تأیید	۰/۹۱۲	۱/۲۴	۱۲/۹۵	۱/۰۷	۰/۰۰۰	هدررفتن سرمایه اقتصادی (سرمایه و نیروی کار) در عدم توانمندسازی محله	
تأیید	۰/۵۵۴	۰/۹۲۳	۷/۸۹	۰/۷۳۸	۰/۰۰۰	ورود به مشاغل متفرقه در زمینه تخصص افراد	
تأیید	۱/۰۲۳	۱/۳۴۶	۱۴/۴۹	۱/۱۸	۰/۰۰۰	از بین بردن گرانی، احتکار و کمبودهای رفاهی	
تأیید	۰/۸۹	۱/۲۳۷	۱۲/۰۹	۱/۰۶	۰/۰۰۰	پرورش حس همکاری در مردم، جلوگیری از کاهش قیمت پول و ثابت نگه‌داشتن ارز	
تأیید	۰/۷۱	۱/۰۸	۹/۵۱	۰/۸۹۸	۰/۰۰۰	تسریع و تسهیل اعطای وام خوداشتغالی به ساکنان از سوی بانک‌ها	
تأیید	۰/۶۰	۰/۹۹	۸/۰۸	۰/۷۹۶	۰/۰۰۰	تمرکز سرمایه‌گذاری دولت در معدودی از مناطق شهر	

ادامه جدول ۱. نتایج آزمون t برای بررسی معناداری عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی ساکنان محله عاشق‌آباد

نتیجه	فاصله اطمینان ۹۵ درصد سطح معناداری		آماره t	میانگین تفاوت	سطح معناداری آزمون	متغیر	عامل
	حد بالا	حد پایین					
تأیید	۰/۴۸۹	۰/۸۴۸	۷/۳۵	۰/۶۶۸	۰/۰۰۰	احقاق حقوق زنان در زمینه دسترسی به خدمات و رفاه اجتماعی	اجتماعی
تأیید	۰/۸۲۳	۱/۱۶	۱۱/۴۹	۰/۹۹۳	۰/۰۰۰	داشتن حقوق بازنشستگی و بیمه تأمین اجتماعی	
تأیید	۰/۵۳۵	۰/۸۵۳	۸/۶۰	۰/۶۹۴	۰/۰۰۰	ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد	
تأیید	۱/۰۵	۱/۳۹	۱۴/۱۴	۱/۲۲	۰/۰۰۰	برنامه‌ریزی نکردن مسئولان منطقه‌ای	
تأیید	۱/۰۲	۱/۳۱	۱۵/۹۴	۱/۱۷	۰/۰۰۰	مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تأمین نیازهای محله	
تأیید	۱/۰۱	۱/۲۸	۱۷/۰۲	۱/۱۵	۰/۰۰۰	استفاده از خلاقیت، دانش و نوآوری اهالی	
تأیید	۱/۰۰	۱/۲۹	۱۵/۵۶	۱/۵	۰/۰۰۰	از بین بردن فاصله طبقاتی و افزایش امنیت محله‌ای	
تأیید	۰/۶۴	۰/۹۶	۹/۹۳	۰/۸۰	۰/۰۰۰	اعتمادسازی به برنامه‌های توسعه در میان مردم	
تأیید	۰/۶۸	۱/۰۵	۹/۳۰	۰/۸۷	۰/۰۰۰	مهاجرت‌های روستایی در افزایش ناهنجاری‌های منطقه	
تأیید	۰/۶۰	۱/۶۷	۴/۱۹	۱/۱۴	۰/۰۰۰	محدودیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی	
تأیید	۰/۷۶	۱/۱۲	۱۰/۲۱	۰/۹۴	۰/۰۰۰	شغل سرپرست خانوار و تعداد افراد خانوار	
تأیید	۰/۷۸	۱/۱۲	۱۱/۰۰	۰/۹۵	۰/۰۰۰	ایجاد مراکز مشاوره و راهنمایی	
تأیید	۰/۸۰	۱/۱۴	۱۱/۴۹	۰/۹۷	۰/۰۰۰	نداشتن حقوق شهروندی متعادل یا تبعیض	
تأیید	۰/۸۴	۱/۱۵	۱۲/۳۷	۰۰۰۱	۰/۰۰۰	ساماندهی شبکه‌های ارتباطی محلی (خیابان‌ها و کوچه‌ها)	کالبدی
تأیید	۰/۹۸	۱/۳۰	۱۴/۲۹	۱/۱۴	۰/۰۰۰	بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و اخذ طولانی‌مدت هزینه‌های بهسازی از ساکنان به کمک تسهیلات (وام بانکی)	
تأیید	۰/۷۸	۱/۱۲	۱۱/۳۱	۰/۹۵	۰/۰۰۰	تأمین مسکن برای اقشار ضعیف‌تر	
تأیید	۰/۷۹	۱/۱۳	۱۱/۱۶	۰/۹۶	۰/۰۰۰	ارزانی زمین و نبود محدودیت برای ساخت‌وساز	
تأیید	۰/۴۲	۰/۸۲	۶/۰۹	۰/۶۲	۰/۰۰۰	کمبودن اجاره‌بهای مسکن	
تأیید	۰/۹۹	۱/۳۲	۱۳/۷۹	۱/۱۵	۰/۰۰۰	دراختیار گذاشتن تأسیسات بیشتر (آب، برق، گاز، تلفن) برای مردم و ایجاد تجهیزات بیشتر	فرهنگی، آموزشی
تأیید	۰/۳۱۴	۰/۷۰۴	۵/۱۵	۰/۵۰	۰/۰۰۰	نوع مصالح ساختمانی (بتن، خشت و غیره)	
تأیید	۰/۹۰۰	۱/۲۳۹	۱۲/۴۷	۱/۰۷	۰/۰۰۰	موفقیت تحصیلی مردم یا میزان سواد اهالی	
تأیید	۰/۸۰۰	۱/۱۳۳	۱۱/۷۶	۰/۹۶	۰/۰۰۰	افزایش مشارکت مردم در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و...	
تأیید	۰/۶۰۳	۰/۹۵۰	۸/۸۴	۰/۷۷	۰/۰۰۰	آموزش به شهروندان محله در زمینه مرتبط با صنایع دستی	
تأیید	۰/۰۷۵	۰/۴۷۲	۲/۷۲	۰/۲۷	۰/۰۰۷	تعارض فرهنگی (وجود اقوام مختلف با فرهنگ‌های متفاوت)	
تأیید	۰/۵۸۸	۰/۹۲۷	۸/۸۲	۰/۷۵	۰/۰۰۰	برنامه‌ریزی‌های آموزشی تفصیلی در گروه‌های مختلف سنی برای ارتقای وضعیت فرهنگی، اجتماعی	
تأیید	۰/۶۰۷	۰/۹۷۱	۸/۵۶	۰/۷۸۹	۰/۰۰۷	کمک به ایجاد فضاهای فرهنگی (کتابخانه‌ها، فرهنگسراها، مساجد، حسینیه و...)	زیست‌محیطی
تأیید	۰/۹۴۶	۱۴/۲۷	۱۳/۴۹	۱/۱۰	۰/۰۰۷	ایجاد مراکز آموزشی، تحصیلاتی یا بهداشتی	
تأیید	۰/۸۸۸	۱/۲۱	۱۲/۷۸	۱/۰۵	۰/۰۰۷	دسترسی نامناسب به خدمات بهداشتی و سلامت زیست شهری	
تأیید	۰/۹۱۵	۱/۲۲	۱۳/۶۶	۱/۰۷	۰/۰۰۷	زیرساخت‌های مناسب زیست‌محیطی شهری (شبکه‌بندی آب، سیستم فاضلاب و...)	
تأیید	۰/۸۰۶	۱/۱۵	۱۱/۱۰	۰/۹۸۰	۰/۰۰۷	مشکلات زیست‌محیطی (آلودگی آب، خاک، هوا و...)	
تأیید	۰/۷۸۸	۱/۱۰	۱۱/۶۸	۰/۹۴۹	۰/۰۰۷	وضعیت شبکه فاضلاب شهری و نحوه دفع آن	
تأیید	۱/۱۹	۱/۴۷	۱۹/۰۲	۱/۳۳	۰/۰۰۷	نحوه جمع‌آوری زباله‌ها	
تأیید	۰/۶۹۰	۱/۰۹	۸/۷۳	۰/۸۹	۰/۰۰۷	توجه به تمیزی و نظافت محله و نریختن آشغال در معابر	

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

برای قضاوت کلی درباره اثر ابعاد پنج‌گانه اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فرهنگی آموزشی و زیست‌محیطی بر توانمندسازی ساکنان محله حاشیه‌نشین عاشق‌آباد اصفهان، پژوهشگر اقدام به ساخت شاخص ترکیبی برای هر بعد از مجموع متغیرهای استفاده‌شده در فرایند پژوهش کرده است. پس از آن نتایج با بهره‌گیری از آزمون t تحلیل شده است.

نتایج حاصل از کاربرد این آزمون در جدول ۲ آمده است. هدف اصلی این آزمون مقایسه متغیرهای مدنظر با حد وسط است. از آنجا که نماگرهای هر عامل با طیف لیکرت سنجیده شده است، عدد ۳ به‌عنوان حد متوسط در نظر گرفته و داده‌ها در هریک از نماگرها با این عدد سنجیده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون t برای شناسایی عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی ساکنان محله عاشق‌آباد

شاخص‌ها	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری آزمون	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		نتیجه اثر
				حد پایین	حد بالا	
اقتصادی	۱۶/۹۴۲	۱۵۶	۰/۰۰۰	۰/۶۹۴	۰/۸۷۸	تأیید
اجتماعی	۲۱/۳۴۰	۱۵۶	۰/۰۰۰	۰/۸۹۰	۱/۰۷۱	تأیید
کالبدی	۱۸/۳۱۰	۱۵۶	۰/۰۰۰	۰/۸۱۰	۱/۰۰۶	تأیید
زیست‌محیطی	۱۷/۷۰۸	۱۵۶	۰/۰۰۰	۰/۷۲۸	۰/۹۱۱	تأیید
فرهنگی-آموزشی	۲۰/۸۵	۱۵۶	۰/۰۰۰	۰/۹۴۷	۱/۱۴۶	تأیید

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

یافته‌های جدول ۲ با توجه به سطح معناداری آزمون و مثبت‌بودن کرانه‌های بالا و پایین سطح اطمینان نشان می‌دهد، ساکنان محله عاشق‌آباد اثرگذاری مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست‌محیطی و فرهنگی-آموزشی بر توانمندسازی شهروندان را تأیید کرده‌اند. به عبارت دیگر با توسعه این مؤلفه‌ها در توانمندسازی ساکنان منطقه موافقت داشته‌اند. همچنین مقدار آماره t برای هر کدام از این نماگرها بیانگر آن است که اجرایی‌شدن هر کدام از شاخص برای بهبود وضعیت محله، مناسب ارزیابی می‌شود.

### مقایسه میزان اثر شاخص‌های پنج‌گانه بر توانمندسازی شهروندان محله عاشق‌آباد

در جدول ۳، بررسی معناداری تفاوت میانگین شاخص‌های هر پنج بعد تأثیرات مشاهده‌شده با بهره‌گیری از آزمون Anova صورت گرفته است. پیش‌شرط استفاده از این آزمون برابری واریانس‌های گروه‌های مشاهده‌شده است. سطح معناداری ۰/۰۰۰ برای آزمون Leven حاکی از برابری واریانس‌هاست. براساس یافته‌های جدول ۳، سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد میانگین ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست‌محیطی و فرهنگی آموزشی در محله عاشق‌آباد متفاوت است.

جدول ۳. بررسی معناداری تفاوت تأثیرات مشاهده‌شده در ابعاد پنج‌گانه توانمندسازی

شاخص	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره t	سطح معناداری
میان‌گروهی	۷/۳۸۸	۴	۱/۸۴۷	۵/۱۵۹	۰/۰۰۰
درون‌گروهی	۲۷۹/۲۷۶	۷۸۰	۰/۳۵۸	-	-
جمع	۲۸۶/۶۶۴	۷۸۴	-	-	-

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸



ردشدن فرض صفر به این معناست که حداقل یکی از گروه‌ها با دیگران تفاوت دارد، اما اینکه تفاوت میان کدام گروه‌ها وجود دارد، مشخص نیست؛ بنابراین باید به سراغ روش‌هایی برای مقایسه جفت‌جفت میانگین‌ها رفت. در این میان، روش‌های متنوعی برای مقایسه میانگین بین گروه‌ها وجود دارد که یکی از آن‌ها پس‌آزمون LSD است. در جدول ۴، پنج عامل بررسی‌شده از نظر مشابهت یا اختلاف میانگین با یکدیگر بررسی شده‌اند.

جدول ۴. نتایج پس‌آزمون LSD برای مقایسه عوامل اثرگذار بر توانمندسازی شهروندان محله عاشق‌آباد

گروه اول	گروه دوم	میانگین تفاوت گروه اول و دوم	اطمینان در سطح ۹۵ درصد	
			حد پایین	حد زیاد
اقتصادی	اجتماعی	۰/۱۹۴*	۰/۰۰۴	-۰/۳۲۶
	کالبدی	-۰/۱۲۱	۰/۰۷	-۰/۲۵۴
	زیست‌محیطی	-۰/۰۳۳	۰/۶۲	-۰/۱۶۵
	فرهنگی-آموزشی	-۰/۲۶۰*	۰/۰۰۰	-۰/۳۹۲
اجتماعی	اقتصادی	۰/۱۹۴*	۰/۰۰۴	۰/۰۶۱
	کالبدی	۰/۰۷۲	۰/۲۸۱	-۰/۰۵۹
	زیست‌محیطی	۰/۱۶۱	۰/۰۱۷	۰/۰۲۵
	فرهنگی-آموزشی	-۰/۰۶۵	۰/۳۳۰	-۰/۱۹۸
کالبدی	اقتصادی	۰/۱۲۱	۰/۰۷۲	-۰/۰۱۱
	اجتماعی	-۰/۰۷۲	۰/۲۸۱	-۰/۲۰۵
	زیست‌محیطی	۰/۰۸۸	۰/۱۹۲	-۰/۰۴۴
	فرهنگی-آموزشی	-۰/۱۳۸*	۰/۰۴۰	-۰/۲۱۱
زیست‌محیطی	اقتصادی	۰/۰۳۳	۰/۶۲۳	-۰/۰۹۹
	اجتماعی	-۰/۱۶۱*	۰/۰۱۷	-۰/۲۹۳
	زیست‌محیطی	-۰/۰۸۸	۰/۱۹۲	-۰/۲۲۰
	فرهنگی-آموزشی	-۰/۲۲۶*	۰/۰۰۱	-۰/۳۵۹
فرهنگی-آموزشی	اقتصادی	۰/۰۲۶*	۰/۰۰۰	۰/۱۲۷
	اجتماعی	۰/۰۶۵	۰/۳۳۰	-۰/۰۶۶
	کالبدی	۰/۱۳۸*	۰/۰۴۰	۰/۰۰۶
	زیست‌محیطی	۰/۲۲۶*	۰/۰۰۱	۰/۰۹۴

\* میانگین اختلاف در سطح  $0/05$  خطا معنادار است.

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

در گروه اول تأثیرات اقتصادی با سایر پارامترها مقایسه شده است. همان‌گونه که سطح معناداری نشان می‌دهد، تفاوت معناداری بین میانگین عامل اقتصادی با عوامل اجتماعی و فرهنگی-آموزشی وجود دارد. چنانکه سطح بالا و پایین اطمینان نشان می‌دهد، میانگین اثرگذاری عامل اقتصادی از میانگین اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی-آموزشی در توانمندسازی ساکنان محله عاشق‌آباد کمتر است، اما اثرگذاری عامل اقتصادی با سایر عوامل تفاوتی نداشته است. در گروه دوم اثربخشی بهبود متغیرهای اجتماعی بر توانمندسازی شهروندان محله حاشیه‌نشین عاشق‌آباد با سایر عوامل مقایسه شده است. با توجه به سطح معناداری آزمون می‌توان گفت این تفاوت در میان عوامل اجتماعی با اقتصادی و

زیست‌محیطی معنادار است؛ به نحوی که مثبت‌بودن کرانه‌های بالا و پایین سطوح اطمینان نشان‌دهنده اثربخشی بیشتر متغیرهای اجتماعی بر توانمندسازی است.

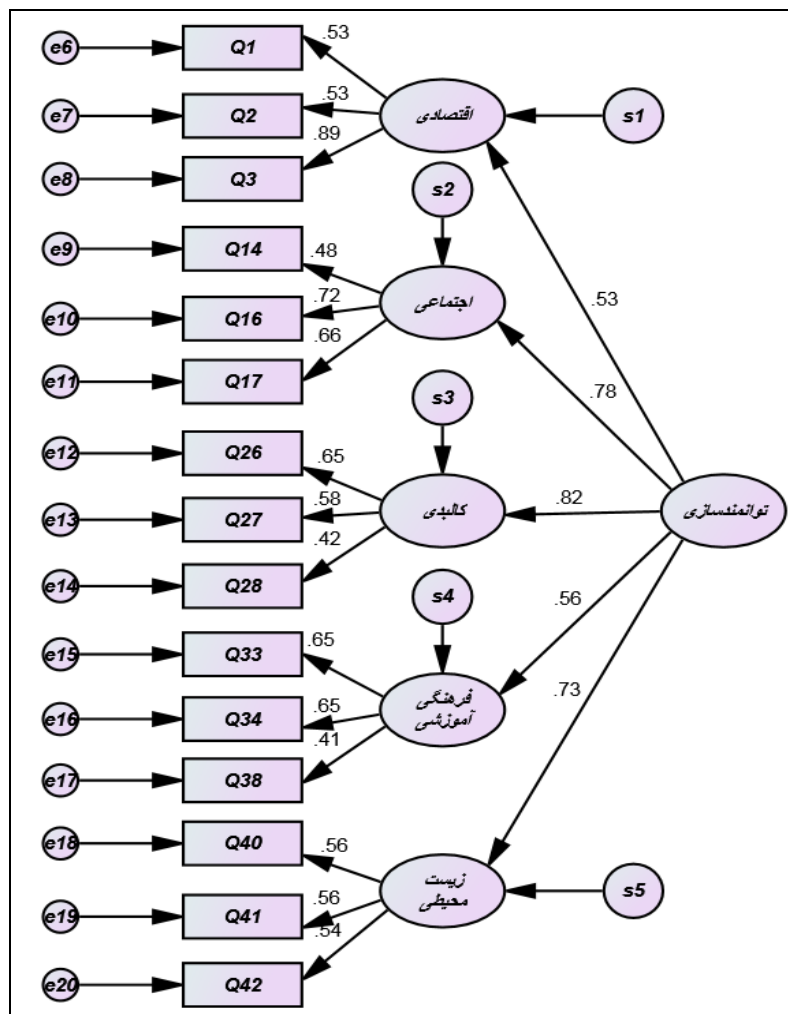
نتایج مقایسه‌ی عامل کالبدی با سایر عوامل نشان می‌دهد میانگین اثربخشی عامل کالبدی بر توانمندسازی اجتماعات ساکن در محله‌ی عاشق‌آباد از اثربخشی عامل فرهنگی آموزشی کمتر بوده، اما با سایر عوامل تفاوت معناداری نداشته است. بهبود عامل زیست‌محیطی نیز با پنج عامل دیگر مقایسه شده است. نتایج نشان‌دهنده تفاوت میان این بعد با ابعاد اجتماعی و فرهنگی-آموزشی است؛ به نحوی که میزان اثربخشی کمتری برای بهبود متغیرهای زیست‌محیطی نسبت به دو عامل اجتماعی و فرهنگی-آموزشی در ارتقای توانمندسازی ساکنان قائل بوده است. در نهایت اینکه میزان بهبودبخشی عامل فرهنگی-آموزشی در توانمندسازی شهروندان بیش از ابعاد اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی بوده است؛ البته اثربخشی عامل اقتصادی با عامل اجتماعی شباهت داشته و بدون تفاوت بوده است.

### رتبه‌بندی عوامل اثرگذار بر توانمندسازی ساکنان محله‌ی عاشق‌آباد

برای شناسایی و اولویت‌بندی فاکتورهای اثرگذار بر توانمندسازی ساکنان محله‌های حاشیه‌نشین از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. شناسایی و ورود مهم‌ترین متغیرهای آشکار که قابلیت تبیین هر کدام از عوامل پنهان را داشته‌اند، با استفاده از تحلیل عاملی صورت گرفته است و گویه‌های مورد نظر برای ورود به مدل انتخاب شده‌اند. در ادامه یافته‌ها به طراحی یک مدل عاملی مرتبه‌ی دوم از دسته‌ی مدل‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری با پنج متغیر پنهان اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فرهنگی آموزشی و زیست‌محیطی منجر شده است. با توجه به نتایج حاصل کاربرد تحلیل عاملی در مدل‌سازی معادلات ساختاری در ابتدا برازش هر یک از مدل‌های اندازه‌گیری بررسی و پس از کسب سطح معناداری و برازش مناسب، مدل‌های اندازه‌گیری اولیه، وارد مدل نهایی شد، اما به‌منظور پیشگیری از طولانی‌شدن کلام، مدل نهایی در مقاله‌ی ارائه و شاخص‌های برازش گزارش شده است. یافته‌های مدل عاملی مرتبه‌ی دوم نشان می‌دهد کدام متغیرها بیشترین اهمیت و تأثیرات بارزتری بر توانمندسازی ساکنان محله‌ی عاشق‌آباد داشته‌اند.

در شکل ۳، بارهای عاملی (پارامترهای لامدا) نشانگر میزان اثرگذاری متغیرها بر یکدیگر هستند. در مدل‌سازی معادلات ساختاری اولین اصل مورد توافق و مبنای علمی حضور یک شاخص یا نبود آن در مدل سطح معناداری و در گام بعدی شاخص‌های برازش مدل است. داده‌های موجود در مدل بر این مبنای در مدل وارد شده، باقیمانده یا حذف شده‌اند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بهبود ویژگی‌های کالبدی محله با بار عاملی ۰/۸۲ بیشترین نقش را در توانمندسازی ساکنان دارد. در این عامل سه متغیر ساماندهی شبکه‌های ارتباطی محلی (خیابان‌ها و کوچه‌ها)، تأمین مسکن برای قشر ضعیف‌تر و بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و همچنین دریافت طولانی‌مدت هزینه‌های بهسازی از ساکنان با تسهیلات (وام بانکی) به‌ترتیب بارهای ۰/۶۵، ۰/۵۸ و ۰/۴۲ را کسب کرده‌اند و به‌زعم پاسخگویان در توانمندسازی ساکنان نقش اساسی خواهند داشت.



شکل ۳. مدل عامل مرتبه اول برای شناسایی اثرگذارترین عوامل توانمندسازی محله‌های حاشیه‌نشین

پس از این عامل بهبود ویژگی‌های اجتماعی محله با وزن رگرسیونی  $0/78$  قرار دارد. از مجموع ۱۳ متغیر استفاده‌شده در عامل اجتماعی با استفاده از تحلیل عاملی، سه متغیر به‌عنوان نماینده وارد مدل شده و براساس شاخص‌های برازش در مدل باقی مانده‌اند. طی این فرایند استنباط می‌شود که برنامه‌ریزی مسئولان منطقه‌ای بیشترین نقش را در تبیین توانمندسازی شاخص‌های اجتماعی ساکنان داشته است. داشتن حقوق بازنشستگی و بیمه تأمین اجتماعی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تأمین نیازهای شناسایی‌شده محله بارهای عاملی  $0/72$  و  $0/68$  را کسب کرده‌اند. بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی نیز یکی از عوامل مؤثر در توانمندسازی ساکنان محله عاشق‌آباد است که بار عاملی  $0/73$  را کسب کرده و با استفاده از سه متغیر شناسایی شده است. در این عامل دسترسی مناسب به خدمات بهداشتی و سلامت زیست شهری و کاهش مشکلات زیست‌محیطی (آلودگی آب، خاک و هوا و...) به‌طور مشترک بیشترین همبستگی را با متغیر پنهان خود داشته‌اند. چنانچه بار عاملی  $0/56$  مؤید این ادعاست. ایجاد زیرساخت‌های مناسب زیست‌محیطی شهری مانند شبکه‌بندی آب، سیستم فاضلاب و... نیز در توانمندسازی ساکنان در بعد زیست‌محیطی نقش اثرگذاری به مقدار  $0/54$  داشته است.

چنانچه از پارامترهای لامدا در شکل ۳ مشخص است، بهبود شاخص‌های فرهنگی-آموزشی نیز در توانمندسازی ساکنان اهمیت دارد. بار عاملی به مقدار  $0/56$  این عامل را در جایگاه چهارم توانمندسازی ساکنان قرار می‌دهد. تحلیل نتایج نظرسنجی ساکنان نشان می‌دهد فراهم‌سازی شرایط احراز موفقیت تحصیلی و بهبود میزان سواد اهالی به همراه جلب افزایش مشارکت مردم در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی یا غیره می‌تواند نقش مفیدی در توانمندسازی افراد داشته باشد. وزن رگرسیونی  $0/65$  این ادعا را تصدیق می‌کند؛ البته کمک به ایجاد فضاهای فرهنگی (کتابخانه‌ها، فرهنگسراها، مساجد، حسینیه و غیره) نیز قادر است با پارامتر لامدا به میزان  $0/41$  با متغیر سطح بالاتر خود یعنی بهبود شاخص‌های فرهنگی آموزشی هم‌بستگی داشته باشد.

در انتها عامل اقتصادی با وزن رگرسیونی  $0/53$  در تبیین توانمندسازی ساکنان محله عاشق‌آباد هم‌بستگی معناداری داشته است. قدرتمندترین متغیر در شناسایی بعد اقتصادی، گسترش توانایی‌های افراد و ایجاد بازار کار است که پارامتر لامدای  $0/89$  را به خود اختصاص داده است. پس از این متغیر، گویه‌های تشکیل تعاونی‌ها برای رونق کسب‌وکار محلی (صنایع‌دستی، مشاغل کوچک و کارگاه‌های کوچک و غیره) و توسعه اقتصادی مشاغل از سوی افراد و دولت و تشکیل صندوق‌های مالی (قرض‌الحسنه‌ها) در محله با بارهای عاملی  $0/53$  به‌طور مشترک به‌عنوان نماینده سبزه شاخص استفاده‌شده در بعد اقتصادی معنادار شده‌اند.

در جدول ۵، کد، نام متغیرها، مقادیر غیراستاندارد، خطای معیار، نسبت بحرانی و سطح تحت پوشش نشان داده شده است. مقادیر کمتر از  $0/05$  در ستون سطح معناداری به معنای تأیید تفاوت فرضیه با مقدار صفر است. نتایج جدول ۵ حاکی از آن است که همه پارامترهای لامدا تفاوت معناداری با مقدار صفر دارند که نشان می‌دهد همه روابط موجود در مدل مورد حمایت داده‌های تجربی قرار گرفته‌اند و این اظهارات برای نمونه‌های بزرگ‌تر جامعه آماری مناسب است.

مدل‌های معادله ساختاری اغلب به‌منظور آزمون یک نظریه درباره روابط میان سازه‌های نظری به کار می‌روند. داده‌های خام قبل از اینکه به‌عنوان درون‌داد برنامه رایانه‌ای استفاده شوند، معمولاً ابتدا به یک ماتریس کوواریانس یا هم‌بستگی از روابط میان متغیرهای مشاهده‌شده تبدیل می‌شوند (علوی، ۱۳۹۲: ۵۲۵). اندازه‌های برازندگی مدل با مقایسه کوواریانس برآوردشده برای جامعه با ماتریس کوواریانس نمونه به‌دست می‌آید (ویولاتا، ۲۰۰۷: ۳۶۵). برای ارزیابی برازندگی راه‌های بسیاری وجود دارد (ایاکوبوسی، ۲۰۰۹: ۹۴). یکی از این روش‌ها بررسی شاخص‌های برازندگی<sup>۱</sup> است. برای ارزیابی برازندگی الگوی معادلات ساختاری از چند شاخص استفاده می‌شود (کریمی‌ثانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵). در جدول ۶، نتایج ارزیابی مدل پژوهش با استفاده از شاخص‌های برازش آمده است. در مجموع شاخص‌های اصلی برازش مدل نشان می‌دهد داده‌های تجربی توانسته‌اند مدل مفهومی پژوهش را نمایندگی کنند و ارتباط مفهومی مناسبی میان مدل تدوین‌شده و داده‌های تجربی برقرار است.

جدول ۵. متغیرهای مدل، کد و برآوردهای غیراستاندارد با سطح تحت پوشش

شاخص	کد	متغیر	تخمین استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معناداری	بار عاملی
توانمندسازی ساکنان محله‌های حاشیه‌نشین F1		اقتصادی	۱/۰۰۰				۰/۵۳۳
		اجتماعی	۱/۱۳۰	۰/۳۷۶	۳/۰۰۶	۰/۰۰۳	۰/۷۷۹
		کالبدی	۱/۵۱۳	۰/۴۵۸	۳/۳۰۶	۰/۰۰۰	۰/۸۲۱
		فرهنگی-آموزشی	۱/۱۰۱	۰/۳۷۸	۲/۹۱۱	۰/۰۰۴	۰/۵۶۴
		زیست‌محیطی	۱/۱۸۸	۰/۳۸۸	۳/۰۶۳	۰/۰۰۲	۰/۷۳۴
اقتصادی F2 (۰/۵۳)	q1	توسعه اقتصادی مشاغل به کمک افراد، دولت و تشکیل صندوق‌های مالی (قرض‌الحسنه‌ها)	۱/۰۰۰				۰/۵۳۲
	q2	تشکیل تعاونی‌ها برای رونق کسب‌وکار محلی (صنایع دستی، مشاغل و کارگاه‌های کوچک و...)	۰/۹۳۳	۰/۱۸۷	۴/۹۸	۰/۰۰۰	۰/۵۳۱
	q3	گسترش توانایی‌های افراد و ایجاد بازار کار برای آن‌ها	۱/۶۰۵	۰/۳۳۵	۴/۹۴	۰/۰۰۰	۰/۸۹۳
اجتماعی F3 (۰/۷۸)	q14	داشتن حقوق بازنشستگی و بیمه تأمین اجتماعی	۱/۰۰۰				۰/۴۸۱
	q16	برنامه‌ریزی مسئولان منطقه‌ای	۱/۴۹۶	۰/۳۱۷	۴/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۷۱۹
	q17	مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و تأمین نیازهای شناسایی‌شده محله	۱/۱۶۲	۰/۲۵۱	۴/۶۳	۰/۰۰۰	۰/۶۵۷
کالبدی F4 (۰/۸۲)	q	ساماندهی شبکه‌های ارتباطی محلی (خیابان‌ها و کوچه‌ها)	۱/۰۰۰				۰/۶۵۳
	q26	بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و دریافت طولانی‌مدت هزینه‌های بهسازی از ساکنان با تسهیلات (وام بانکی)	۰/۸۷۷	۰/۱۸۳	۴/۷۹	۰/۰۰۰	۰/۵۷۷
	q27	تأمین مسکن برای اقشار ضعیف‌تر	۰/۶۷۹	۰/۱۷۳	۳/۹۱	۰/۰۰۰	۰/۴۲۴
	q28	موفقیت تحصیلی مردم یا میزان سواد اهالی	۱/۰۰۰				۰/۶۵۳
فرهنگی آموزشی F5 (۰/۵۶)	q33	افزایش مشارکت مردم در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و...	۰/۶۵۴	۰/۲۲۰	۴/۳۴	۰/۰۰۰	۰/۶۵۳
	q34	کمک به ایجاد فضای فرهنگی (کتابخانه، فرهنگسراها، مساجد، حسینیه و...)	۰/۶۸۱	۰/۱۸۶	۳/۶۶	۰/۰۰۰	۰/۴۱۴
	q38	دسترسی مناسب به خدمات بهداشتی و سلامت زیست شهری	۱/۰۰۰				۰/۵۶۴
زیست‌محیطی F6 (۰/۷۳)	q40	زیرساخت‌های مناسب زیست‌محیطی (شبکه آب، سیستم فاضلاب و...)	۰/۹۴۱	۰/۲۲۵	۴/۱۸	۰/۰۰۰	۰/۵۵۷
	q41	مشکلات زیست‌محیطی (آلودگی آب، خاک، هوا و...)	۱/۰۳۲	۰/۲۴۹	۴/۱۴	۰/۰۰۰	۰/۵۴۲

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۸

جدول ۶. شاخص‌های نیکویی برازش مدل

شاخص	خوب	قابل قبول	نامناسب	مقدار در مدل	ارزیابی مدل
مطلق	۱-۳	۳-۵	بیش از ۵	۱/۳۶۹	خوب
مطلق	بیشتر از ۰/۹۵	۰/۹۰-۰/۹۵	کمتر از ۰/۹۰	۰/۹۱۷	قابل قبول
مقتصد	بیشتر از ۰/۵۵	۰/۵۰-۰/۵۵	کمتر از ۰/۵۰	۰/۶۴۹	خوب
تطبیقی	بیشتر از ۰/۹۵	۰/۹۰-۰/۹۵	کمتر از ۰/۹۰	۰/۹۲۴	قابل قبول
تطبیقی	بیشتر از ۰/۹۵	۰/۹۰-۰/۹۵	کمتر از ۰/۹۰	۰/۹۰۱	قابل قبول
تطبیقی	بیشتر از ۰/۹۵	۰/۹۰-۰/۹۵	کمتر از ۰/۹۰	۰/۹۲۰	قابل قبول
مقتصد	بیشتر از ۰/۶۰	۰/۵۰-۰/۶۰	کمتر از ۰/۵۰	۰/۸۱۰	خوب
مقتصد	بیشتر از ۰/۶۰	۰/۵۰-۰/۶۰	کمتر از ۰/۵۰	۰/۶۲۰	خوب
مقتصد	بیشتر از ۰/۶۰	۰/۵۰-۰/۶۰	کمتر از ۰/۵۰	۰/۷۴۵	خوب
مطلق	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۵-۰/۰۸	بیش از ۰/۰۸	۰/۰۴۹	خوب

منبع: بسحاق، ۱۳۹۴؛ نگارندگان، ۱۳۹۸

## نتیجه‌گیری

پیامد توسعه شهرنشینی شتابان در ایران، ظهور شهرهای بزرگ و در کنار آن، ایجاد و توسعه محله‌های حاشیه‌نشین است؛ به نحوی که می‌توان گفت یکی از معضلاتی که بیشتر شهرهای جهان با آن مواجه هستند، ظهور و شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشین است. حاشیه‌نشین از جمله عوامل تهدیدکننده کیفیت زندگی و برهم‌زننده تعادل اجتماعی در شهرها به حساب می‌آید. این پدیده یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم در فضاهای عمومی، ترس یا احساس ناامنی مکان‌ها و فضاهای عمومی است که نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می‌کند و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه‌های زیادی را برای جامعه به‌دنبال دارد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۷). بی‌توجهی به مناطق حاشیه‌نشین شهری علاوه بر اینکه زمینه را برای نارضایتی از امکانات و خدمات شهری، مشارکت اندک در تصمیم‌گیری‌های شهری، افزایش نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و احساس تعلق‌نداشتن به شهر در میان ساکنان فراهم خواهد کرد، توسعه پایدار شهری را نیز از جنبه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی با تهدیدات اساسی مواجه خواهد کرد. با توجه به چالش‌ها و مشکلات جدی پیش‌روی این محله‌ها لازم است مسئولان در رفع و حل این مشکلات اقداماتی جدی داشته باشند و به نیازهای ساکنان این مناطق به‌عنوان شهروند توجه کنند؛ زیرا فقر اجتماعی-فرهنگی و در کنار آن مشکلات مالی و دیدن جذابیت‌های زندگی شهری نارضایتی‌های عمیقی را در میان این قشر از ساکنان ایجاد خواهد کرد. براین اساس رویکرد توانمندسازی محله‌های حاشیه‌نشین با تأکید بر به‌کارگیری ظرفیت‌ها و دارایی‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان محله و به‌کارگیری رویکرد انسان‌مدارانه در حل مسائل و مشکلات محله‌های حاشیه‌نشین و تأکید بر ارتقا و بهبود وضعیت ساکنان محله در ابعاد مختلف می‌تواند در میان رویکردهای مختلف برخورد با مسائل و مشکلات محله از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد. پژوهشگران بر این باورند نقش و تأثیرات توانمندسازی جامعه محلی می‌تواند در برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های غیررسمی تعیین‌کننده باشد. در این میان، تدوین راهبرد مناسب برای توانمندسازی محله‌های حاشیه‌نشین اصفهان منوط به شناسایی شاخص‌های تسهیل‌کننده فرایند توانمندسازی ساکنان محله به‌منظور برقراری عدالت اجتماعی است. دستیابی به هدف پژوهش، مستلزم بررسی عواملی است که بر توانمندسازی ساکنان تأثیر می‌گذارد و درنهایت منجر به عدالت اجتماعی می‌شود؛ بنابراین در این پژوهش عوامل اثرگذار بر توانمندسازی ساکنان محله‌های حاشیه‌نشین با بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌ها و مبانی نظری پژوهش حاضر، ارزیابی شده است و با تحلیل شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فرهنگی آموزشی و زیست‌محیطی به‌دنبال تعیین مناسب‌ترین راهکارها برای توانمندسازی محلات حاشیه‌نشین است تا برنامه‌ریزی‌های مناسب برای توانمندسازی محلات حاشیه‌نشین تدوین شود.

شاخص‌های تسهیل‌کننده فرایند توانمندسازی را می‌توان ناشی از فرایند پیچیده تغییر و مبادله میان ساکنان محله، مدیریت شهری و امکانات و تسهیلات محله دانست که در متون مختلف علمی، تقسیم‌بندی‌های متعددی از آن ارائه شده است. عوامل تبیین‌کننده توانمندسازی ساکنان محله‌های حاشیه‌نشین در این پژوهش با مرور منابع پیشین در یک تقسیم‌بندی کلی با استفاده از گویه‌های پرسشنامه در پنج دسته اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فرهنگی آموزشی و زیست‌محیطی بررسی شده است. برآیند ارزیابی‌ها مطابق با تحلیل‌ها نشان می‌دهد بهبود ویژگی‌های کالبدی بیشترین نقش را در تبیین توانمندسازی ساکنان محله داشته است. این عامل با مؤلفه‌های ساماندهی شبکه‌های ارتباطی محلی

(خیابان‌ها و کوچه‌ها)، تأمین مسکن برای قشر ضعیف‌تر و بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و دریافت طولانی‌مدت هزینه‌های بهسازی از ساکنین به کمک تسهیلات (وام بانکی) شناسایی شده و بر توانمندسازی ساکنان تأثیری اساسی خواهند داشت. از آنجا که این عامل نقش بیشتری در توانمندسازی دارد، می‌توان با مقاوم‌سازی مسکن از طریق بهبود نوع مصالح ساختمانی، تدوین استانداردهای اصولی و اعمال تدابیر قانونی لازم برای ساخت‌وساز و دراختیارگذاشتن تأسیسات بیشتر (آب، برق، گاز، تلفن) برای مردم و ایجاد تجهیزات بیشتر به بهبود عملکرد کالبدی محل قدرت بخشید.

پس از این عامل بهبود ویژگی‌های اجتماعی محله قرار دارد. طی این فرایند چنین استنباط می‌شود که برنامه‌ریزی مسئولان منطقه‌ای بیشترین نقش را در تبیین توانمندسازی شاخص‌های اجتماعی ساکنان دارد. داشتن حقوق بازنشستگی و بیمه تأمین اجتماعی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تأمین نیازهای شناسایی‌شده محله نیز از دیگر شاخص‌های اجتماعی معنادار شده است. معنادار شدن اثربخشی ویژگی‌های اجتماعی بر توانمندسازی ساکنان محله با نتایج پژوهش کیخا و همکاران (۱۳۹۴) و فتح‌زاده و زاهد زاهدانی (۱۳۹۵) هم‌خوانی داشته است. همچنین کسب وزن بیشتر عامل اجتماعی در مقایسه با بهبود شاخص‌های اقتصادی در توانمندسازی مردم محله با آنچه نظریان و همکاران (۱۳۹۵) اعلام داشته‌اند، هم‌راستا بوده است. از بین بردن فاصله طبقاتی و افزایش امنیت محله‌ای، استفاده از خلاقیت، دانش و نوآوری اهالی، ایجاد و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد، احقاق حقوق زنان در زمینه دسترسی به خدمات و رفاه اجتماعی، اعتمادسازی به برنامه‌های توسعه در میان مردم، پیشگیری از مهاجرت‌های روستایی با اعمال برنامه‌های فرامنطقه‌ای مبتنی بر عدالت بخشی فضایی و توسعه متوازن، محدودیت‌های اجتماعی، پرهیز از تبعیض و ایجاد مراکز مشاوره و راهنمایی، به توانمندسازی اجتماعی افراد کمک شایانی می‌کند. بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی نیز یکی از عوامل مؤثر در توانمندسازی ساکنان محله عاشق‌آباد است. دسترسی مناسب به خدمات بهداشتی و سلامت زیست شهری و کاهش مشکلات زیست‌محیطی (آلودگی آب، خاک، هوا و غیره) و نیز ایجاد زیرساخت‌های مناسب زیست‌محیطی شهری مانند شبکه‌بندی آب، سیستم فاضلاب و غیره نیز در توانمندسازی ساکنان در بعد زیست‌محیطی نقش اثرگذاری دارد. چنانچه فتح‌زاده و زاهد زاهدانی نیز ادعان داشته‌اند بهبود شاخص‌های فرهنگی آموزشی نیز در توانمندسازی ساکنان معنادار شده است. از دیگر سو مطابق با یافته‌های لطفی و همکاران (۱۳۸۹) می‌توان بیان داشت فرهنگ‌سازی و بهبود المان‌های فرهنگی می‌تواند به توانمندسازی مردم محله عاشق‌آباد و کاهش بروز ناهنجاری‌ها منجر شود. تحلیل نظرسنجی ساکنان نشان می‌دهد فراهم کردن شرایط احراز موفقیت تحصیلی و بهبود میزان سواد اهالی به همراه جلب افزایش مشارکت مردم در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی یا غیره می‌تواند نقش مفیدی در توانمندسازی افراد داشته باشد. علاوه بر آن آموزش به شهروندان محله در زمینه مرتبط با صنایع دستی، استفاده از تنوع فرهنگی ناشی از حضور اقوام مختلف به‌عنوان جاذبه فرهنگی-گردشگری و شکل‌گیری وحدت در میان اهالی، برنامه‌ریزی‌های آموزشی تفصیلی در گروه‌های مختلف سنی برای ارتقای وضعیت فرهنگی، اجتماعی، کمک به ایجاد فضاهای فرهنگی مانند کتابخانه‌ها، فرهنگسراها، مساجد، حسینیه و غیره و نیز ایجاد مراکز آموزشی، تحصیلاتی یا بهداشتی در بهبود عملکرد فرهنگی آموزی محله و توانمندسازی ساکنان اثربخش خواهد بود. عامل اقتصادی در تبیین توانمندسازی ساکنان محله عاشق‌آباد نیز اثربخش است. قدرتمندترین متغیر در شناسایی بعد اقتصادی، گسترش توانایی‌های افراد و ایجاد بازار کار است. تشکیل تعاونی‌ها برای

رونق کسب‌وکار محلی (صنایع دستی، مشاغل کوچک و کارگاه‌های کوچک و غیره) و توسعه اقتصادی مشاغل به کمک افراد و دولت و تشکیل صندوق‌های مالی (قرض‌الحسنه‌ها) نیز به منظور بهبود توانایی اقتصادی ساکنان اثربخش است. همچنین توسعه اقتصادی مشاغل توسط افراد و دولت و افزایش نقش زنان (مشارکت و حضور فزاینده آن‌ها در نیروی کار رسمی) و داشتن حقوق برابر با مردان، حمایت از نظام اقتصاد محلی و بازاریابی صنایع کوچک محله‌ای، تسریع و تسهیل اعطای وام خوداشتغالی به ساکنان از سوی بانک‌ها و از بین بردن تورم، گرانی و احتکار و کمبودهای رفاهی بر توانمندسازی اقتصادی ساکنان اثر معناداری خواهد داشت. به منظور بهبودبخشی به عملکرد شاخص‌های اقتصادی می‌توان به جلوگیری از افزایش مشاغل کاذب (دست‌فروشی و غیره)، فراهم کردن زمینه ورود به مشاغل در زمینه تخصصی افراد، جلوگیری از کاهش قیمت پول و ثابت نگه‌داشتن ارزش و پرهیز از تمرکز سرمایه‌گذاری‌های دولتی در محدودی از مناطق شهر و توزیع متعادل آن اشاره کرد. همان‌طور که فلوری (۲۰۱۷) و پژوهشگران دیگر ذکر کرده‌اند، میان این شدت حاشیه‌نشینی و افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان رابطه وجود دارد که در نهایت سبب حاکم شدن فرهنگ فقر و ناهنجاری در منطقه حاشیه‌نشین شده است و بحران‌هایی اجتماعی به همراه دارد. به منظور کاهش محرومیت و بی‌عدالتی حاکم بر مناطق حاشیه‌نشین یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند در تدوین راهکارهای اثربخش به مدیران شهری یاری برساند و در بهبود توانمندسازی ساکنان محله عاشق‌آباد تأثیرگذار باشد.



## منابع

- احمدیان، محمدعلی، ۱۳۸۲، «حاشیه‌نشینی، ریشه‌ها و راه‌حل‌ها»، اندیشه حوزه، جلد اول، شماره ۴۳ و ۴۴، صص ۹۱-۱۱۰.
- ابراهیم‌زاده، عیسی، بریمانی، فرامرز و یوسف نصیری، ۱۳۸۳، «حاشیه‌نشینی ناهنجاری‌های شهری و راهکارهای تعدیل آن (مورد: کریم‌آباد زاهدان)»، مجله جغرافیا و توسعه، دوره دوم، شماره ۳۲، صص ۱۲۱-۱۴۶.
- انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۹۶، *آمارنامه شهر اصفهان*، چاپ اول، فصل دوم، صص ۵۵-۹۵.
- انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۹۴، *آمارنامه شهر اصفهان*، چاپ اول، آذرماه ۱۳۹۵، فصل دوم، صص ۹-۶.
- بسحاق، محمدرضا، ۱۳۹۴، *مدل‌سازی معادلات ساختاری در علوم انسانی*، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
- برمر، سمیه، علی محمدیان، معصومه، سجادی، سید علیرضا، پوستچی، حسین، حسینی، سید مصطفی و مهدی یاسری، ۱۳۹۷، «آشنایی با مدل‌سازی معادلات ساختاری تعمیم‌یافته و کاربرد آن در پژوهش‌های بهداشتی»، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره شانزدهم، شماره اول، صص ۵۱-۶۲.
- بختیاری، تقی، هاشمی، حمید و سید عباس سعیدی، ۱۳۹۲، «بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی بر جرائم اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان مشهد)»، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۶۳.
- پیمانی، ضیاءالدین، ۱۳۸۰، *حقوق اختصاصی جرائم علیه امنیت*، چاپ پنجم، جلد اول، نشر میزان، تهران.
- پورافکاری، نصرالله و عسکر قنبری، ۱۳۹۱، «سازوکار توانمندسازی نیروی انسانی در مدیریت سازمان‌های ورزشی»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۳، صص ۲۵-۳۸.
- تقوایی، مسعود، حسینی‌خواه، حسین و جبار علیزاده اصل، ۱۳۹۴، «استراتژی توسعه شهری با تأکید بر توانمندسازی محلات شهری (مطالعه موردی: اکبرآباد یزد)»، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال ششم، شماره ۱۶، صص ۱۲۹-۱۴۷.
- توکل‌نیا، جمیله، صالحی، مونا و فرانک سعیدی‌فرد، ۱۳۹۲، *توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر پایه توسعه اجتماعات محلی*، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی.
- حیدری سورشجانی، رسول، ۱۳۹۶، «مدل‌سازی ساختاری عوامل مؤثر بر جذب گردشگران به پدیده‌های گردشگری مصنوعی (مورد مطالعه پارک و دریاچه چیتگر تهران)»، فصلنامه علمی-پژوهشی گردشگری و توسعه، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۱۴۹-۱۶۸.
- حیدری نوشهر، مژگان و اصغر نظریان، ۱۳۹۰، «بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و بازتاب‌های آن، با تأکید بر کاربری خدمات شهری (مورد: شهر یزد)»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۳۱-۴۹.
- حاتمی‌نژاد، حسین، ۱۳۸۲، «اسکان غیررسمی در جهان»، ماهنامه شهرداری‌ها، سال پنجم، شماره ۵۰، صص ۴۷-۵۹.
- حیدری سورشجانی، رسول و محسن شاطریان، ۱۳۹۶، *درآمدی بر توانمندسازی اجتماعات محلی شهری*، جلد اول، نشر سخنوران، تهران.
- جمشیدی، علیرضا، ۱۳۹۲، «اسکان غیررسمی، اولویت‌بندی چالش‌های کرمانشاه»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره چهل و پنجم، شماره ۴، صص ۲۲۱-۲۴۲.
- شاطریان، محسن و امیر اشنویی، ۱۳۹۲، «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر کاشان»، فصلنامه انجمن جغرافیایی ایران، سال یازدهم، شماره ۳۶، صص ۱۵۹-۲۸۰.

شکور، علی، شمس‌الدینی، علی، حافظ رضازاده، معصومه و سارا پاکزاد، ۱۳۹۳، «بررسی تطبیقی راهکارهای توانمندسازی در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله‌های باربند و فاز ۱ زمین شهری فیروزآباد)»، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۲۷، صص ۷۹-۱۰۲.

شفقی، سیروس، ۱۳۸۱، *جغرافیای اصفهان*، انتشارات دانشگاه اصفهان.

شماعی، علی، ملکان، جواد و پریسا صادقی، ۱۳۹۳، «راهبردهای توانمندسازی حاشیه‌نشینان با استفاده از تکنیک QSPM (مطالعه موردی: شهرک شهدای سنقر)»، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی سپهر، دوره بیست‌وسوم، شماره ۹۰، صص ۲۵-۴۰.

رضایی، میثم، بلاغی، رسول، شمس‌الدینی، علی، شاعر، فاطمه و سعید ماندنی، ۱۳۹۵، «ارزیابی و تحلیل ابعاد اجتماعی حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها (مطالعه موردی: محلات حاشیه‌نشین شیراز)»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال سیزدهم، شماره ۵۲، صص ۵۷-۷۵.

ریانی، رسول، ۱۳۸۱، *جامعه‌شناسی شهری*، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.

ریاحی، وحید، ۱۳۸۹، «بررسی مخاطرات زیست‌محیطی اسکان غیررسمی پیرامون کلان‌شهر تهران؛ مطالعه موردی اسلام‌شهر»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره سیزدهم، شماره ۱۶، صص ۸۳-۱۰۴.

رفیعیان، مجتبی، خدائی، زهرا و هاشم داداش‌پور، ۱۳۹۲، «ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی به‌مثابه رویکردی در توانمندسازی نهادهای اجتماعی»، فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره اول، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۶۱.

رضازاده، راضیه، محمدی آیدغمیش، فاطمه و رفیعیان، مجتبی، ۱۳۹۱، «توسعه اجتماع محلی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکتی در رویکرد دارایی‌منا (مطالعه موردی: محله امامزاده حسن، منطقه ۱۷ تهران)»، دوره شانزدهم، شماره ۲، صص ۳۷-۵۵.

زاهدانی، زاهد، ۱۳۶۹، *حاشیه‌نشینی*، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.

زاهدی، محمدجواد، ۱۳۸۸، *نقش سازمان‌های غیردولتی در توسعه پایدار*، نشر مازیار، تهران.

زنگی‌آبادی، علی و امید مبارکی، ۱۳۹۱، «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن؛ مطالعه موردی: محلات احمدآباد، کوی بهشتی، خلیل‌آباد»، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال بیست‌وسوم، شماره ۱، صص ۶۷-۸۰.

سعیدی رضوانی، نوید و رؤیا معارف‌دوست، ۱۳۸۹، *بررسی راهکار توانمندسازی در بهبود کالبد سکونتگاه غیررسمی شهرک حجت مشهد*، دومین همایش ملی مهندسی عمران، دانشگاه آزاد واحد خمینی‌شهر.

شکویی، حسین، ۱۳۸۰، *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*، انتشارات سمت، تهران.

فرید، ابراهیم، ۱۳۹۳، *مدل‌سازی معادلات ساختاری در داده‌های پرسشنامه‌ای به کمک Amos 22*، نشر مهرگان قلم، تهران.

فرید، یدالله، ۱۳۶۸، *جغرافیا و شهرشناسی*، جلد اول، انتشارات دانشگاه تبریز.

فنی، زهره، ۱۳۸۹، «اقتصاد غیررسمی زمین و اسکان غیررسمی؛ مورد: نسیم‌شهر شهرستان رباط‌کریم»، پژوهش‌های دانش زمین، سال اول، شماره ۳، صص ۴۱-۵۹.

فتح‌زاده، حیدر و سید سعید زاهد زاهدانی، ۱۳۹۴، «برنامه‌ریزی راهبردی، به‌منظور توانمندسازی محلات حاشیه‌نشین، محلات حاشیه‌نشین سیلاب، احمدآباد و یانوق دره سی تبریز»، دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال چهارم، شماره ۶، صص ۶۱-۸۸.

قرخلو، مهدی و عبدالنبی شریفی، ۱۳۸۳، «پیدایش تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی اقتصادی حاشیه‌نشین (مورد: محله عین ۲ اهواز)»، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، دوره سی‌وششم، شماره ۵۰، صص ۸۷-۱۰۱.

صابری‌فر، رستم، ۱۳۹۵، «بررسی تحلیلی حاشیه‌نشین در شهر بیرجند؛ مورد: منطقه کارگران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۲، صص ۲۹-۵۱.

صالحی‌امیری، سید رضا، ۱۳۹۰، *توانمندسازی منابع انسانی*، انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران. صرافی، مظفر، ۱۳۸۱، «مسئله حاشیه‌نشین شهری»، مجله هفت‌شهر، سال سوم، شماره ۸، صص ۶-۱۵.

کریمی‌ثانی، وجیهه، رهنما، محمدرحیم و امیدعلی خوارزمی، ۱۳۹۴، «مدل‌سازی معادلات ساختاری عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی شهر الکترونیک در سبزوار»، شهر پایدار، دوره دوم، شماره ۱، صص ۱-۲۳.

کیخا، بتول و حامد مرادی سیاسر، ۱۳۹۴، «واکاوی وقوع جرائم اجتماعی از منظر حاشیه‌نشین»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هفتم، شماره ۳، صص ۱۰۷-۱۲۹.

فتایی، مهری، سیدی، فرانک، فتایی، پریسا و پریسا کیانی هرچگانی، ۱۳۹۳، «تأثیر برنامه‌های توانمندسازی با رویکرد اجتماع‌محور بر افزایش سرمایه اجتماعی ساکنان شهر خرم‌آباد»، فصلنامه مددکاری اجتماعی، دوره سوم، شماره ۲، صص ۳-۱۱.

میره، محمد، ۱۳۸۴، *بررسی و ساماندهی اسکان غیررسمی در شهر قم*، مورد: شیخ‌آباد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، به راهنمایی دکتر رحمت‌الله فرهودی، دانشگاه تهران.

لطفی، حیدر، ۱۳۸۹، «بحران حاشیه‌نشین و سکونتگاه‌های غیررسمی در مدیریت کلان‌شهرها و رهیافت‌های جهانی»، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۳۵-۱۴۵.

لهاسایی، عبدالعلی، ۱۳۶۸، *نظریات مهاجرت*، جلد اول، انتشارات نوید، شیراز.

علوی، موسی، ۱۳۹۲، «مدل‌یابی معادلات ساختاری در پژوهش‌های مرتبط با آموزش علوم سلامت: معرفی روش و کاربرد آن»، مجله آموزش در علوم پزشکی، دوره ششم، شماره ۱۶، صص ۵۱۹-۵۳۰.

عبدی، عطاءالله، کرمی، تاج‌الدین و حمید مستجابی، ۱۳۹۶، «تبیین مفهومی پیامدهای حاشیه‌نشین شهری و مسئله تعلق مکانی»، پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال نهم، شماره ۴، صص ۱۶۶-۲۰۰.

مجیدی، علی، مقدم، یحیی، ۱۳۸۷، «تأثیر توانمندسازی بر خلاقیت کارکنان ناجا»، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۳۷، صص ۱۰-۱۸.

مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۹۳، *اطلس جامع گیتاشناسی*، نشر مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.

معاونت برنامه‌ریزی پژوهش و فناوری اطلاعات شهرداری اصفهان، ۱۳۹۴، *اطلس کلان‌شهر اصفهان*، نشر نواندیشان، اصفهان.

مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر و فرامرز رستمی، ۱۳۹۵، «ساماندهی و توانمندسازی محلات نابسامان با رویکرد ارزش‌گرایی»، مجله هفت‌شهر، شماره ۵۴، صص ۵۲-۷۱.

- مسعود، محمد و امیرمحمد معزی، ۱۳۹۱، «رویکرد دارایی‌مبنا، رهیافتی نوین در ساماندهی بافت‌های فرسوده و تاریخی»، مجله مرمت، آثار و بافت تاریخی، فرهنگی، سال دوم، شماره سوم، صص ۶۳-۷۷.
- نصر اصفهانی، رضا، صفاری، بابک و سارا غفاریان، ۱۳۹۴، «بررسی علل اقتصادی حاشیه‌نشینی با استفاده از اثر درمان (مطالعه موردی: شهر اصفهان)»، فصلنامه اقتصاد شهری، سال اول، شماره ۱، صص ۱-۱۶.
- نظریان، اصغر، سادین، حسین، زال‌نژاد، کاوه، استقامتی، مهناز و مهدی ولیانی، ۱۳۹۵، «بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی مهاجران شهر شهریار در سال ۱۳۸۸»، تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، سال سوم، شماره ۳، صص ۱۱۵-۱۳۵.
- یاسوری، مجید، ۱۳۹۰، «نقش سازمان‌های غیردولتی (NGO) در توانمندسازی زنان و جوانان روستایی (نمونه: روستای اردوغش)»، چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، شماره ۱۷، صص ۴۴-۶۰.
- Abdi, A., Karami, T., and Mostajabi, H., 2017, "Conceptual explanation of the consequences of urban marginalization and the issue of spatial belonging", *Social Disciplinary Research*, Year Vol. 9, No. 4, PP. 166-200. (In Persian)
- Ahmadian, M.A., 2003, "Marginalization, Roots and Solutions", *AndiShe Hoze*, Vol. 1, No. 43 and 44, PP. 91-110. (In Persian)
- Alavi, M., 2013, "Structural Equation Modeling in Health Science Education Research: Introducing the Method and Its Application", *Journal of Medical Science Education*, Vol. 6, No. 16, PP. 519-530. (In Persian)
- Alijani B., 1987, Relation between Cyclonic Tracks and Upper Level Flow Pattern in Middle East, *Geography Research Quarterly*, Vol. 6, PP. 24-48.
- Ansell, N., 2005, *Migrant Childrens Prespectives on Life Informal Accommodation*, *Mag Environment and Planning*, Vol. 37, PP. 423-440.
- B.W. W., G. S. S., F.A.O. (Fred) Otieno, 2011, *A Review of Physical And Socio-Economic Characteristics and Intervention Approaches of Informal Settlements*, *Habitat International*, Vol. 35, No. 2, PP. 238-245.
- Bakhtiari, T., Hashemi, H. and Saeedi, S. A., 2013, "Study of the effect of marginalization on social crimes (Case study: Mashhad city)", *Quarterly Journal of Social Discipline Research*, Fifth Year, No. 2, PP. 139-163. (In Persian)
- Balard, R., 2012, *Contemporary Social Movements in South Africa*, *Mag African Affairs*, Vol. 10, No.8, PP. 615-634.
- Boshaq, M. R., 2015, *Modeling structural equations in the humanities*, *Sociologists Publications*, Tehran. (In Persian)
- Bremer, S., Ali Mohammadian, M., Sajjadi, S. A., Poustachi, H., Hosseini, S. M. and Yaseri, M., 2018, "Introduction to Generalized Structural Equation Modeling and its Application in Health Research", *Journal of School of Public Health and Institute of Public Health Research*, Vol. 16, No. 1, PP. 51-62. (In Persian)
- Calavita, K., 2000, *Imagrination and Marginalization in a Global Economy*, *Jornal Article*, Vol. 32, No. 3, PP. 529-566.
- Collier, P., 2010, *The Marginalization of Africa*, *International Labour Review*, Vol. 134, No. 4, PP. 98-110.

- Ebrahimzadeh, I., Barimani, F. and Nasiri, Y., 2004, "Marginalization of Urban Anomalies and Its Modification Strategies (Case: Karimabad Zahedan)", *Journal of Geography and Development*, Vol. 2, No. 32, PP. 121-146. (In Persian)
- Enzo F., Zambrano-Verratti, J., and Reinout, K., 2019, *Web-Based Participatory Mapping in Informal Settlements: The Slums of Caracas, Venezuela*, Habitat International, in Press, Corrected Proof, Available Online, Article 102038.
- Fani, Z., 2010, "Unofficial Land Economics and Informal Settlement; Case: Nasimshahr, Robat Karim County", *Land Knowledge Research*, First Year, Vol. 1, No. 3, PP. 41-59. (In Persian)
- Farbod, E., 2014, *Modeling Structural Equations in Questionnaire Data with Amos 22*, Mehregan Ghalam Publishing, Tehran. (In Persian)
- Farid, Y., 1989, *Geography and Urbanism*, Vol. One, Tabriz University Press. (In Persian)
- Fataei, M., Seyedi, F., Fataei, P., and Kiani Harchgani, P., 2014, "The effect of empowerment programs with a community-oriented approach on increasing the social capital of residents of Khorramabad", *Quarterly Journal of Social Work*, Vol. 3, No. 2, PP. 3-11. (In Persian)
- Fatehzadeh, H. and Zahed Zahedani, S. S., 2015, "Strategic Planning, in order to empower the marginalized neighborhoods, flooded suburbs, Ahmadabad and Yanuk in Tabriz C", two quarterly journals of Contemporary Sociological Research, Vol. 4, No. 6, PP. 61-88. (In Persian)
- Felory, A., 2017, *Responses to Informal Accommodation*, Magazine a Capemy Management, Vol. 43, No. 2, PP. 47-60.
- G. Shatkin, 2004, *Planning to Forget: Informal Settlements As 'Forgotten Places' In Globa-Lising Metro Manila*, *Urban Stud*, Vol. 41, No. 12, PP. 2469-2484.
- Gharkhloo, M., and Sharifi, A., 2004, "The Origin of Physical Evolution and Socio-Economic Situation of Marginalization (Case: Ain 2 Neighborhood of Ahvaz)", *Journal of Geographical Research*, Vol. 36, No. 50, PP. 87-101. (In Persian)
- Graham Saunders, S., Dani, J., Barrington, S., Sridharan, S., Meo, W., Hadwen Katherine F., Shields, R. S., Jamie, K. B., 2016, *Addressing Wash Challenges in Pacific Island Countries: A participatory Marketing Systems Mapping Approach to Empower Informal Settlement Community Action*, Habitat International, Vol. 55, PP. 159-166.
- Guttentag, D., 2013, *Disruptive Innovation and the Rise of an Informal a Ccommodation*, *Mag Current*, Vol. 18, No.12, PP. 1192-1217.
- Hataminejad, H., 2003, "Informal Settlement in the World", *Journal of Municipalities*, Fifth Year, Vol. 5, No. 50, PP. 47-59. (In Persian)
- Heidari Nowshahr, M., and Nazarian, A., 2011, "A Study of Factors Affecting Marginalization and Its Reflections, with Emphasis on the Use of Urban Services (Case: Yazd City)", *Sarzamin Geographical Quarterly*, Year 8, No. 31, PP. 31-49. (In Persian)
- Heidari Soureshajani, R., 2017, "Structural Modeling Factors Affecting Tourists' Attraction to Artificial Tourism Phenomena (Case Study: Chitgar Park and Lake)", *Journal of Tourism and Development*, Vol. 6, No. 11, PP. 149-168. (In Persian)
- Heidari Soureshajani, R., and Shaterian, M., 2017, *An Introduction to Empowering Local Urban Communities*, Vol. One, Sokhvaran Publishing, Tehran. (In Persian)
- [Http://isfahan.ir/index.aspx?tempname=piramon12&lang1&sub=25](http://isfahan.ir/index.aspx?tempname=piramon12&lang1&sub=25)
- Iacobucci D., 2009, *Structural Equations Modeling: Fit Indices, Sample Size, and Advanced Topics*, *Journal of Consumer Psychology*, Vol. 20, No. 1, PP. 90-98.

- Institute of Geography and Cartography of Gita Shenasi, 2014, Comprehensive Atlas of Gita Shenasi, Publishing Institute of Geography and Cartography of Gita Shenasi. *(In Persian)*
- Isfahan Municipality Cultural and Entertainment Organization Publications, 2017, Isfahan City Statistics, First Edition, Second Chapter, PP. 55-95. *(In Persian)*
- Isfahan Municipality Cultural and Entertainment Organization Publications, 2015, Isfahan City Statistics, First Edition, Chapter 2, PP. 9-6. *(In Persian)*
- Isfahan Municipality Research and Information Technology Planning Deputy, 2015, Isfahan Metropolitan Atlas, Nawandishan Publishing, Isfahan. *(In Persian)*
- Jamshidi, A., 2013, "Informal Settlement, Prioritizing the Challenges of Kermanshah", Human Geographical Research, Vol. 55, No. 4, PP. 221-242. *(In Persian)*
- Karara, H., 2018, *Assembling Marginality in Northern Pakistan*, Mag Political Geography, Vol. 63, PP. 65-74.
- Karimisani, V., Rahnama, M. R., and Kharazmi, O. A., 2015, "Modeling structural equations of factors affecting the implementation of e-city in Sabzevar", Sustainable City, Vol. 2, No. 1, PP. 1-23. *(In Persian)*
- Keikha, B., and Moradi Siasar, H., 2015, "Analysis of the occurrence of social crimes from the perspective of marginalization", Social Regulation Quarterly, Year, Vol. 7, No. 3, PP. 107-129. *(In Persian)*
- Knawel, Z., 2018, *Marginality and Social Exclusion Inpanjab Pakistan*, Mag Sustainable Cities and Society, Vol. 37, PP. 203-212.
- Kretzmann, J., and Mcknight, J., 1993, *Building Communities From the Inside Out: A Path Toward Finding and Mobilizing a Community's Assets*, Chicago, IL: ACTA Publications.
- Lahasaei, A. A., 1989, *Immigration Theories*, Vol. One, Navid Publications, Shiraz. *(In Persian)*
- Lotfi, H., 2010, "Crisis of marginalization and informal settlements in the management of metropolises and global approaches", Quarterly Journal of Human Geography, Second Year, Vol. 2, PP. 135-145. *(In Persian)*
- Majidi, A., and M., Y., 2008, "The effect of empowerment on the creativity of NAJA employees", Quarterly Journal of Disciplinary Knowledge, Vol. 37, PP. 10-18. *(In Persian)*
- Mamdouh, D., Nassar, H., and Elsayed, G., 2019, *From Informal Settlements to Sustainable Communities*, Alexandria Engineering Journal, Vol. 57, No. 4, PP. 2367-2376.
- Mashadi-Zadeh Dehaghani, N., and Rostami, F., 2016, "Organizing and Empowering Disorganized Neighborhoods with a Value-Approved Approach", Haftshahr Magazine, Vol. 54, PP. 52-71. *(In Persian)*
- Massoud, M., and Moezzi, A. M., 2012, "Approach to asset-based approach, new approach in organizing worn-out and historical contexts", Journal of Restoration, Historical and Cultural Works and Textures, Second Year, Third Issue, Vol. 2, No. 3, PP. 63-77. *(In Persian)*
- Mireh, M., 2005, Review and Organization of Informal Settlement in Qom, Case: Sheikh Abad, Master's Thesis in Geography and Urban Planning, under the guidance of Dr. Rahmatollah Farhoudi, University of Tehran. *(In Persian)*
- Nasr Esfahani, R., Saffari, B., and Ghaffarian, S., 2015, "Study of the economic causes of marginalization using the effect of treatment (Case study: Isfahan)", Quarterly Journal of Urban Economics, First Year, Vol. 1, No. 1, PP. 1-16. *(In Persian)*

- Nazarian, A., Sadin, H., Zalnejad, K., Eeteghamati, M., and Valiani, M., 2016, "Study of economic, social and demographic factors of marginalization and informal settlement of Shahriar immigrants in 2009", Spatial analysis of environmental hazards, third year, Vol. 3, No. 3, PP. 115-135. (*In Persian*)
- Neeraj, D., and Sandra, C., 2019, *Residents' self-Initiatives for Flood Adaptation in Informal Riverbank Settlements of Kathmandu*, International Journal of Disaster Risk Reduction, Vol. 40, Article 101156.
- Peymani, Z., 2001, Exclusive Rights of Crimes against Security, Fifth Edition, Vol. One, Mizan Publishing, Tehran. (*In Persian*)
- Pourafkari, N., and Ghanbari, A., 2012, "Mechanism of human resource empowerment in the management of sports organizations", Iranian Journal of Social Development Studies, Fourth Year, Vol. 4, No. 3, PP. 25-38. (*In Persian*)
- Rabbani, R., 2002, Urban Sociology, Vol. One, Samat Publications, Tehran.
- Rafieian, M., Khodaei, Z., and Dadashpour, H., 2013, "Capacity Building of Local Communities as an Approach to Empowering Social Institutions", Sociological Journal of Social Institutions, Vol. 1, No. 2, PP. 133-161. (*In Persian*)
- Rebecca Enobong, R., and Ogochukwu, O., 2018, *Measuring the Socio-Economic Impact of Forced Evictions and Illegal Demolition; A Comparative Study Between Displaced and Existing Informal Settlements*, The Social Science Journal, in Press, Corrected Proof, Available Online 27 December 2018.
- Rezaei, M., Bolaghi, R., Shams al-Dini, A., Shaer, F. and Mandani, S., 2016, "Assessment and Analysis of Social Dimensions of Suburbanization in Metropolises (Case Study: Shiraz Suburbs)", Geographical Quarterly, Vol. 13, No. 52, PP. 57-75. (*In Persian*)
- Rezazadeh, R., Mohammadi Ayardaghmish, F., and Rafieian, M., 2012, "Development of Local Community by Using Participatory Capacities in Approach to Property Approach (Case Study: Imamzadeh Hassan Neighborhood, District 17 of Tehran)", Vol. 16, No. 2, Page 37, Page 37 -55. (*In Persian*)
- Riahi, V., 2010, "Study of environmental and informal hazards of informal settlement around the metropolis of Tehran; a case study of Islamshahr", Journal of Applied Research in Geographical Sciences, Vol. 13, No. 16, PP. 83-104. (*In Persian*)
- Rongbo, H., Camilla, F., Wenm, P., Thomas, L., and Thomas, B., 2017, *A Case Study on Regenerating Informal Settlements in Cairo Using Affordable and Adaptable Building System*, Procedia Engineering, Vol. 196, PP. 113-120.
- Saberifar, R., 2016, "Analytical study of marginalization in Birjand city; Case: Workers' Area", Journal of Geographical Research, Vol. 92, PP. 29-51. (*In Persian*)
- Saeedi Rezvani, N., and Moaref doost, R., 2010, A Study of Empowerment Strategy in Improving the Body of Informal Housing in Hojjat Town, Mashhad, 2nd National Conference on Civil Engineering, Khomeini Shahr Azad University. (*In Persian*)
- Salehi Amiri, S. R., 2011, Empowerment of Human Resources, Expediency Discernment Council Publications, Strategic Research Center, Tehran. (*In Persian*)
- Sandra, C., and Neeraj, D., 2019, *Citizen-Government Negotiation: Cases of in Riverside Informal Settlements at Flood Risk*, International Journal of Disaster Risk Reduction, No. 38, Article 101195.

- Sarrafi, M., 2002, "The issue of urban marginalization", Haftshahr Magazine, third year, Vol. 3, No. 8, PP. 6-15. *(In Persian)*
- Shafaghi, S., 2002, Geography of Isfahan, Isfahan University Press. *(In Persian)*
- Shakur, A., Shams-ud-Din, A., Hafez Rezazadeh, M., Pakzad, and S., 2014, "Comparative study of empowerment strategies in dilapidated urban contexts (Case study: Barband neighborhood and phase 1 of Firoozabad urban land)", Quarterly Journal of Environmental Management, No. 27, PP. 79-102. *(In Persian)*
- Shamaei, A., Malekan, J., and Sadeghi, P., 2014, "Marginal Empowerment Strategies Using QSPM Technique (Case Study: Sanghar Martyrs' Town)", Sepehr Geographical Information Quarterly, Vol. 23, No. 90, PP. 25-40. *(In Persian)*
- Shaterian, M., and Oshnoei, A., 2013, "Factors affecting the formation of marginalization in Kashan", Quarterly Journal of the Geographical Association of Iran, Vol. 11, No. 36, PP. 159-280. *(In Persian)*
- Shokooei, H., 2001, New Perspectives on Urban Geography, Samat Publications, Tehran. *(In Persian)*
- Suzanne, S., Josephine, K., Musango, A., Brent, C., 2019, *Understanding Electricity Legitimacy Dynamics in an Urban Informal Settlement in South Africa: A Community Based System Dynamics Approach*, Energy for Sustainable Development, No. 49, PP. 39-52.
- Taqvaei, M., Hossein khah, H. and Alizadeh Asl, J., 2015, "Urban Development Strategy with Emphasis on Empowering Urban Neighborhoods (Case Study: Akbarabad Yazd)", Journal of Geographical Spatial Planning, Vol. 6, No. 16, PP. 129-147. *(In Persian)*
- Tavakolinya, J., Salehi, M., and Saeedi Fard, F., 2013, Empowerment of informal settlements based on the development of local communities, the first national conference on urban planning and architecture over time, Qazvin, Imam Khomeini International University. *(In Persian)*
- UN DESA, 2008, *United Nations Expert Group Meeting on Population Distribution, Urbanization, Internal Migration and Development*, Department of Economic and Social Affairs, Population Division, NewYork.
- UN-Habitat, 2016, *Urbanization and Development Emerging Futures*, World Cities Report, Nairobi, Kenya.
- Violato C, G.H.K., 2007, *How to Use Structural Equation Modeling in Medical Education Research: A Brief Guide*, Teaching and Learning in Medicine: An International Journal, Vol. 19, No. 4, PP. 362-371.
- Wu, F., 2015, *Urban Poverty and Marginalization Under Market Transition*, Mag Ijurr, Vol. 28, No. 2, PP. 401-423.
- Yasouri, M., 2011, "The Role of Non-Governmental Organizations (NGOs) in Empowering Rural Women and Youth (Example: Ardoghsh Village)", Geographical Perspective (Human Studies), No. 17, PP. 44-60. *(In Persian)*
- Zahedani, Z., 1990, Marginalization, Shiraz University Press, Shiraz. *(In Persian)*
- Zahedi, M. J., 2009, *The Role of Non-Governmental Organizations in Sustainable Development*, Maziar Publishing, Tehran. *(In Persian)*
- Zangiabadi, A., and Mobaraki, O., 2012, "Study of effective factors on the formation of suburbanization of Tabriz and its consequences; Case study: Ahmadabad neighborhoods, Beheshti alley, Khalil Abad", Journal of Geography and Environmental Planning, Vol. 23, No. 1, PP. 68-80. *(In Persian)*